

**بررسی الگوها و راهبردهای حکمرانی اسلامی در اندیشه امام علی علیه السلام؛
مروری بر متون نهج البلاغه**

سیف اله مدبر چهاربرج* / حسن مسلمی** / طاها عشایری***
تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۰۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۱۴

چکیده

هدف اصلی تحقیق بررسی الگوها و راهبردهای حکمرانی اسلامی در اندیشه امام علی علیه السلام در نهج البلاغه است. روش تحقیق از نوع اسنادی-تحلیلی؛ ابزار گردآوری آن شامل منابع دست‌اول و دست‌دوم بوده است. واحد تحلیل و مشاهده خطبه، نامه و کلمات قصار بوده است که از روش مثلث‌سازی جهت روایی و اعتبار مفاهیم اکتشافی بهره گرفته شده است. نتایج نشان داد که حکمرانی سیاسی (میان‌روی سیاسی؛ نظارت و کنترل سیاسی؛ انتقادپذیری حاکم؛ مبارزه با اشرافیت سیاسی؛ تکریم آزادی سیاسی؛ اصل مردمی بودن حکومت؛ پرهیز از استبداد سیاسی؛ عدالت قضایی)؛ اجتماعی (تأمین امنیت اجتماعی؛ پیشگیری اجتماع‌محور فساد؛ شایستگی کارگزاران؛ مدارای اجتماعی؛ عدالت اجتماعی؛ مساوات و نفی تبعیض اجتماعی؛ خلق و حفظ سرمایه اجتماعی)؛ اقتصادی (فقرزدایی؛ اولویت‌بخشی به محرومان و تنگدستان؛ عدالت اقتصادی؛ حفاظت و پاسداری از بیت‌المال؛ عدالت و انصاف در توزیع مالیاتی؛ مبارزه با نابرابری طبقاتی؛ پرهیز از انباشت ثروت توسط حکومت؛ رسیدگی به کشاورزان و رونق تولید) و حکمرانی فرهنگی (اهتمام به علم و سرمایه فرهنگی؛ مبارزه با هوای نفس؛ پرهیز از دنیادوستی؛ ترویج فضایل اخلاقی-دینی؛ امر به معروف و نهی از منکر؛ مبارزه با سبک زندگی متظاهران؛ مدارا و تساهل مذهبی)، از مهم‌ترین راهبردهای حکمرانی اسلامی بوده است.

واژگان کلیدی:

حکمرانی اسلامی، میان‌روی سیاسی، عدالت مالیاتی، تساهل مذهبی، مبارزه با نابرابری طبقاتی.

*. عضو هیأت علمی گروه حقوق دانشگاه محقق اردبیلی. اردبیل. ایران. (نویسنده مسئول)

seyfollahmodabber@gmail.com

hassan118aa@gmail.com

t.ashayeri@uma.ac.ir

** . استاد جامعه المصطفی العالمیه.

*** . عضو هیأت علمی گروه جامعه‌شناسی دانشگاه محقق اردبیلی. اردبیل. ایران.



۱. مقدمه

حکمرانی اسلامی به مفهوم مدیریت، اداره، رهبری، ولایت، حکمروایی، زمامداری و فرمانروایی دینی جامعه بوده و اجرای قواعد، نظارت و کاربست قوانین آن با اعمال قدرت مشروع اسلامی به منظور دستیابی به آرمان‌های الهی مشترک بشری در چارچوب ارزش و هنجارهای شریعت است. نهج البلاغه، دارای الگوها و راهبردی حکمرانی جهت طرح جامعه فاضله متعالی مبتنی بر معیارهای حکمرانی اسلامی تدوین شده است. حکمرانی اولین بار در فرانسه قرن چهاردهم در مفهوم "مقر دولت" بکار رفته و در سال ۱۹۸۹ به وسیله بانک جهانی عمومیت بیشتری در سطح جهانی یافته است (رنگریز، ۱۴۰۲: ۱). حکومت همان مجموعه نهادهای فرمانروا، وظایف و اختیارات موجود (قاضی، ۱۳۸۹: ۱۲۳) و حکومت اسلامی آن مدلی است که هدف آن تحقق آرمان‌های اسلام بوده (فرقانی، ۱۳۹۴) و قوانین آن قوانین نیز اسلامی و ساختار بنیادی آن را نیز جهان‌بینی اسلامی تشکیل می‌دهد. حکمرانی اسلامی، شیوه، روش، سیاست‌گذاری و اجرای سیاست جهت تحقق زندگی متعالی بشری از طریق نظام اسلامی است که نیازمند مشارکت جمعی همه آحاد در قدرت اجرایی، حکمرانی و نقش‌آفرینی در آن است (رنگریز، ۱۴۰۲: ۲).

نهج البلاغه بعد از قرآن کریم، از میراث اجتماعی-سیاسی، فرهنگی ارزشمند جهان اسلام بوده که در سال ۱۴۰۰ (ق.ه) توسط سید رضی تألیف و این مجموعه علمی، خلاصه‌ای از بهترین آموزه‌های امام ع در قالب خطبه، سخنرانی، نامه، وصیت‌نامه، دستورالعمل، سخنان کوتاه و قصار و حکمت‌هاست (حمیدی و رمضان شمس، ۱۳۹۸: ۲۲۳). در نامه‌های تاریخی حضرت علی ع، جمع‌آوری خراج؛ دفاع در مقابل دشمن (لنگرانی، ۱۳۸۰: ۵۹) و اصلاح امور اجتماعی-اقتصادی مردم از اصول مهم حکمرانی هستند (شاگری، ۱۳۹۳: ۴). زمامداران در آرمان نهج البلاغه؛ کسانی‌اند که اختیار و اداره امور جامعه را برعهده گرفته و فرامین حاکمیتی از سوی او صادر یا تنفیذ می‌گردد و با اصطلاح و مفاهیمی از جمله والی، امام، ولی و امیر از آن یاد شده است (جعفری، ۱۴۰۱: ۲۶۷). امام علی ع، پایه‌های اصلی حکمرانی را بنخیل نبودن، جاهل و ستمگر نبودن، عادل و سالم، گشاده‌رویی، نیکو صفتی، عدالت‌خواه مبارزه با فساد، تقوا، عذرپذیری، همرنگی با محرومین، ثبات در رأی و اندیشه، نظارت بر امور، رازداری و خطاپوشی، آگاه به مسائل و برقراری ارتباط با مردم



می‌داند (عشائری، ۱۳۹۵: ۲۵). در این میان، نهج البلاغه از جمله منابع موثق و مستندی هست که چکیده‌ای از مراتب متعالی اندیشه نظری و سیره عملی امام علی (ع) در نامه‌ها، کلمات قصار و حکمت‌ها که به «عهدنامه امیر، عهدنامه مالک اشتر، سیاست‌نامه علوی، فرمان حکومتی و منشور حکمرانی» معروف است (کميجانی، ۱۴۰۰: ۹۰). این کتاب از مهم‌ترین منابع دینی و اسناد راهبردی در ساحت حکومت‌داری به شمار رفته و در سیاست‌نامه امام علی (ع) با نگاهی فرازمانی و فرامکانی و رویکرد آینده‌محورانه؛ تمامی حکمرانان و شهروندان را در تاریخ حال و آینده مورد خطاب قرار داده و بایستگی‌های حکمرانی ناظر بر هدایت و راهبری جوامع انسانی به سوی تعالی و سعادت و رسیدن به جامعه بهنجار و آرمانی سیاسی-اجتماعی را تصریح می‌کند. حکمرانی عالمانه، سیاست‌های حکومتی و مدیریت بر مبنای اندیشه امام علی (ع)، در راستای تشکیل یک جامعه و مدینه فاضله سالم، بهنجار و انسان اجتماعی مؤمنانه و خدامحور در تاریخ بشری است. بر این اساس هدف اصلی تحقیق عبارت است از:

- بررسی الگوها و راهبردهای حکمرانی اسلامی در اندیشه امام علی (ع) با تاکید بر نهج البلاغه

۲. بیان مسئله

در نهج البلاغه توجه به مسائلی از جمله خویشتن‌داری، شجاعت و صلابت شخصی، سخاوت و گشاده‌دستی، شایسته‌سالاری و اعتماد تشریح شده (فقهی‌زاده و لزگی، ۱۳۹۲) و فضایل اخلاقی، شایسته‌سالاری، اعتماد بنیادین، حسن ولایت و انتخاب اصلح (مقیم، ۱۳۹۴) نشانگر اهمیت حکمرانی اسلامی است. با توجه به ارتباط بین حکمرانی و شکل‌های آن با توسعه جامعه، سطح رفاه، آزادی اجتماعی، منطق سیاسی و شیوه‌های مملکت‌داری؛ فهم و شناسایی الگوهای راهبردی حکمرانی امری الزامی است. روش حکمرانی امام علی (ع) بستری برای کاهش فقر، تضاد طبقاتی و ارتقای جایگاه حکمرانی و مشروعیت پایدار آن است. مبانی اصول حکمرانی امام علی (ع) توجه به رسیدن به سعادت اجتماعی و رشد اخلاقی بوده و در جوامع توجه به مردم جهت کسب مشروعیت سیاسی به امری مهم تبدیل شده و این پدیده نیازمند تعامل چندوجهی دولتمردان، حاکمان و سیاسیون با شهروندان بر اساس معیارهای حکمرانی اسلامی چندوجهی (پیوند بین سیاست و انسان



با خدا و اندیشه‌های اسلامی) است. به طوری که اهمیت و شناسایی آن می‌تواند به توسعه و ترویج حکمرانی سیاسی، اصلاح شیوه‌های مدرن حکمرانی، کاهش منازعه سیاسی، مدیریت شورش‌های اجتماعی و کاهش فساد، فقر و آسیب‌های اجتماعی-فرهنگی کمک کند. این پرسش، پژوهشگر را به تحلیل عناصر ساختاری اندیشه جامع امام علی علیه السلام، بررسی نسبت میان قدرت و حکمرانی، شاخص‌های عدالت اجتماعی و طراحی الگوی بومی-اسلامی برای حکمرانی مطلوب رهنمون می‌سازد. چنین تحلیلی می‌تواند گامی مؤثر در جهت ارائه مدل بومی حکمرانی اسلامی و ایجاد پیوند میان سنت دینی و نیازهای حکمرانی عصر حاضر باشد.

امام علی علیه السلام در خطبه‌ها و نامه‌های خود به‌ویژه در نامه معروف به مالک اشتر، الگویی از مدیریت و رهبری ارائه می‌دهد که بر پایه عدالت، معنویت، اخلاق، مردم‌محوری، مسئولیت‌پذیری و نظارت اجتماعی استوار است. در اندیشه علوی، قدرت نه هدف و وسیله سلطه و بهره‌کشی، بلکه امانتی جهت تحقق عدالت و صلاح جامعه است. حاکم اسلامی باید از ویژگی‌هایی چون زهد، تقوا، شایسته‌سالاری، پاسخ‌گویی به مردم و پرهیز از اشرافیت برخوردار باشد. در این چارچوب، مردم نه تنها تابع حکومت بلکه شریک در اداره جامعه بوده و حق نظارت، نقد و مطالبه دارند. به عبارت دیگر، حکمرانی مطلوب در نهج البلاغه، نوعی مردم‌سالاری مسئولانه با جهت‌گیری الهی است که در آن، رضایت عمومی، عدل فراگیر و رعایت حقوق انسانی، اصول بنیادین به شمار می‌روند. از سوی دیگر، ساختار حکمرانی در نگاه امام علی علیه السلام مبتنی بر نظام‌مندی، شفافیت، نظارت بر کارگزاران، جلوگیری از فساد و توجه به طبقات محروم است. در این نگاه، هدف از حکومت نه کسب قدرت، بلکه اقامه قسط، ایجاد نظم اجتماعی عادلانه و تأمین رفاه مادی و معنوی مردم است. به همین دلیل است که امام علی علیه السلام در بسیاری از سخنانش، حاکم را مسئول مستقیم رفاه مردم، پیشرفت جامعه و پاکی ساختارها می‌داند. بررسی پیشینه پژوهش نیز نشان می‌دهد که اگرچه تاکنون تلاش‌های قابل توجهی در راستای تبیین ابعاد گوناگون حکمرانی اسلامی از دیدگاه نهج البلاغه صورت گرفته، اما هنوز یک مدل جامع، منسجم و کاربست‌پذیر از حکمرانی اسلامی در این بعد ارائه نشده است. پژوهش حاضر با شناسایی پنج بُعد اصلی حکمرانی اسلامی تلاش کرده است چارچوبی مفهومی برای بازسازی الگوی حکمرانی اسلامی بر اساس نهج البلاغه فراهم آورد. این مدل مفهومی می‌تواند بستری برای طراحی نظام‌های بومی حکمرانی اسلامی در جوامع معاصر باشد.

حکمرانی:

حکمرانی، وسیع‌تر از حکومت بوده (می‌دری و خیرخواهان، ۱۳۸۳: ۱۹۴) و شامل سه نهاد حکومت، جامعه مدنی و بخش خصوصی است (کميجانی و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۲۹). حکمرانی به تضمین احترام به حقوق انسانی، حاکمیت قانون (صیدی، ۱۳۹۲)، تقویت دموکراسی، ارتقای شفافیت و رفاه اجتماعی توجه دارد (کربلایی ابراهیم، ۱۳۹۴). در این نوع حکمرانی، رضایت اجتماعی مردم از شروط اساسی است (اسماعیلی و همکاران، ۱۴۰۰).

نظریه حکمرانی اسلامی

حکمرانی دینی اسلامی، نظامی است که در آن، رهبری و اداره جامعه بر اساس اصول و ارزش‌های برخاسته از وحی الهی (قرآن) و سنت پیامبر ﷺ و ائمه معصومین علیهم‌السلام، به‌ویژه امام علی علیه‌السلام در نهج البلاغه، استوار است. نهج البلاغه، به‌عنوان گنجینه‌ای از حکمت و راهنمایی‌های عملی، ابعاد عمیقی از حکمرانی عادلانه، اخلاقی و مسئولانه را آشکار می‌سازد. این نظام، نه تنها بر ساختارهای سیاسی، بلکه بر دگرگونی بنیادین اخلاقی و روحی حاکمان و شهروندان تأکید دارد. حکمرانی اسلامی در الگو و شیوه‌های مدیریتی انبیاء الهی، جهت حل مطالبه بشری و ارتقای منزلت و کرامت انسانی طراحی شده (ایگدر، ۱۳۹۴) و بر دوراندیشی سیاسی، اعتدال و میانه‌روی، مشارکت‌گرایی (ترابی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۱۸)؛ مستند به وحی الهی، خدامحوری و منابع اسلامی (رضایی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱) تکیه دارد. این نظریه بیانگر یک جهان‌بینی و مکتب فکری است که هدف غایی آن، تحقق حکمرانی اسلامی از طریق پیاده‌سازی عدالت اجتماعی، خدمت به مردم و رشد فضایل اخلاقی و توسعه اقتصادی در تمام سطوح جامعه است. حکمرانی اسلامی، بر پایه تعهد به اصول و حیانی بناشده و مسئولیت حاکمان را در برابر خداوند و خلق، امری بنیادین تلقی می‌کند. این نظریه بر مجموعه‌ای از اصول بنیادین استوار است که در ادامه به تفصیل شرح داده می‌شوند:

حاکمیت مطلق خداوند (حاکمیت الهی)؛

بنیادی‌ترین اصل در این نظریه، اعتقاد به حاکمیت نامحدود خداوند است. کلیه قوانین و دستورات، منبعث از شریعت الهی بوده و مشروعیت هر حکومتی، جز از طریق تبعیت از اراده الهی حاصل نمی‌شود. این اصل، برتری قانون الهی را بر هرگونه قانون موضوعه انسانی تضمین می‌کند. (کاشانی، ۱۳۷۹).



عدالت؛

عدالت، محور ثقل حکمرانی اسلامی بوده و در تمامی ابعاد (اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، قضایی) جاری است. این مفهوم، صرفاً برابری صوری را شامل نمی‌شود، بلکه متضمن رعایت حقوق، رفع ستم و توجه ویژه به محرومان و نیازمندان است. قرآن کریم، پیوسته بر اقامه قسط و عدل تأکید ورزیده است (قرآن کریم، سوره نساء، آیه ۱۳۵).

مشورت؛

اصل شورا، سازوکاری برای مشارکت نخبگان و عموم مردم در تصمیم‌گیری‌های کلان است. این اصل، از انحصارگرایی و خودکامگی جلوگیری کرده و به کارآمدی و مقبولیت تصمیمات می‌افزاید. خداوند در قرآن، مؤمنان را به مشورت در امور فرامی‌خواند (قرآن کریم، سوره آل عمران، آیه ۱۵۹).

مسئولیت‌پذیری؛

حاکمان در نظام اسلامی، در قبال خداوند و مردم مسئول هستند. آن‌ها امانت‌داران جامعه محسوب می‌شوند و باید در برابر اعمال خود پاسخگو باشند. این اصل، لازمه پرهیز از فساد، سوءاستفاده از قدرت و خدمت‌گزاری بی‌منت است (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

کرامت انسانی؛

اسلام به انسان، به واسطه جایگاه خلیفة‌اللهی، کرامت ذاتی و حقوق اساسی بخشیده است. حفظ و ارتقای این کرامت، از وظایف اصلی حکومت اسلامی بوده و هرگونه تعدی به آن، مردود شمرده می‌شود (قرآن کریم، سوره اسراء، آیه ۷۰).

شورا و مشارکت مردمی؛

مشارکت فعال مردم در تعیین سرنوشت خود، از طریق سازوکارهایی چون انتخابات، نظارت عمومی و امر به معروف و نهی از منکر، از اصول کلیدی حکمرانی اسلامی است. این امر، حاکمیت را مردمی و پاسخگو می‌سازد (حیدری، ۱۳۸۸).

باید گفت که نقش حاکم در حکمرانی اسلامی نه ارباب، بلکه خادم و امانت‌دار مردم و نماینده الهی برای اجرای عدالت و هدایت جامعه بوده و وظیفه او پاسداری از شریعت و تأمین سعادت دنیوی و اخروی شهروندان است (نهج البلاغه، نامه ۵۳). همچنین حکومت ابزاری برای تحقق اهداف اسلامی و پیاده‌سازی احکام الهی در جامعه است که این ابزار باید در خدمت مردم و منافع عمومی به

کار گرفته شود (کاشانی، ۱۳۷۹) و نظارت و پاسخگویی از اصل مهم آن است. حکومت و حاکمان تحت نظارت عمومی و شرعی قرار دارند تا از انحرافات جلوگیری شده و پاسخگویی تضمین گردد.

نظریه حکمرانی خوب

رعایت نظارت و کنترل، کنترل فساد، حاکمیت قانون (طرزی و همکاران، ۱۳۹۹: ۲۰۱)، اثربخشی دولتی، ایجاد ثبات و پاسخگویی در اثر نهادینه‌سازی حکمرانی خوب به معیارهای اصلی سیاست تبدیل شده است (شاه‌آبادی و زرین لعل، ۱۳۹۵: ۳۴) در نهایت نبود فساد، احترام به حقوق بشر، شفافیت در نهاد دولتی، اداره سیاسی و پاسخگویی نظام از عناصر حکمرانی خوب تلقی می‌شود (دربندی و حق‌شناس، ۱۳۹۹). شاخص و رکن اصلی حکمرانی خوب و مطلوب تکیه بر کارایی و احساس اثربخشی^۱، مشارکت‌محوری^۲، رواج و توسعه قانون^۳، پاسخگویی^۴ مدنی و در نهایت شفافیت^۵ اجتماعی-سیاسی (هداوند، ۱۳۸۴: ۸۱) است. در ادامه به شرح زیر این معیارهای حکمرانی طرح شده‌اند:

الف. حق اظهار نظر	مشارکت شهروندان، حقوق سیاسی، آزادی مطبوعات، برهیز از استبداد مردم سالاری و مشورت در امور کمالی، ۱۳۸۸، ص ۲۲.
ب. ثبات سیاسی	مدیریت ناآرامی و تنش، نظارت سیاسی، فقدان خشونت، نزاع مدنی، اغتشاشات اجتماعی، کاهش کودتا، ترورها، آشوب‌ها (عبادی و قلی‌پور، ۱۳۹۵، ص ۱).
ج. اثربخشی دولت	کیفیت ارائه خدمات عمومی، اهتمام دولت به علم و دانش، مدیریت دانش بیان، ارتقای کیفیت بروکراسی، عملکرد دولتی، حل مسائل اجتماعی، روحیه رقابت، استقلال در ارائه دولت برای سیاست‌ها (مانندگاری، ۱۳۸۱، ص ۶۳).
د. کیفیت مقررات و نظارت	سیاست‌های مناسب بازار؛ کنترل قیمت‌ها با نظارت کافی؛ کنترل و ثبات از طریق هنجارهای رسمی و کنترلی؛ کاهش فشار اقتصادی بر مردم از طریق رویه‌های نظارتی (نقیبی مفرد، ۱۳۹۴).
ر. کیفیت قانون	تدوین قوانین عادلانه، قابل پیش‌بینی؛ نظارت قانونی، کارآمدی قانون و ثبات طولانی مدت در قانون (مبارک و آدیپوند، ۱۳۸۹).

1. Efficiency and Effectiveness.
2. Participation.
3. Rule of law.
4. Accountability.
5. Transparency.

شکل شماره ۱: الگوی نظری-مفهومی حکمرانی خوب
 ۲/۲. پیشینه مطالعات در حوزه حکمرانی اسلامی

جدول ۱: پیشینه پژوهش

خلاصه نتایج یافته‌های تحقیق	نویسندگان
عدالت‌خواهی، شایسته‌سالاری، حاکمیت قانون، اجرای قانون الهی، فساد ستیزی	رمضانی فرد (۱۴۰۲)
قواعد دینی، وحدت و همیاری صادقانه، اخوت، ایمان، ولایت، تحقق عدالت	حجازی فر (۱۴۰۲)
دوری از فساد، اطاعت از حاکمان، وفا به عهد- پیمان، خیرخواهی نسبت به حاکم، حمایت از حاکم، اعتماد کردن به حاکم، دوری از گمراهی، کنار گذاشتن غرور، پرهیز از افراط و تفریط، برقراری صلح و آشتی، همدلی کردن، شفاف بودن، زیر بار ظلم نرفتن، عبرت گرفتن	حکیمی‌گیلانی و همکاران (۱۴۰۲)
محوریت الهی؛ احیای دین و فرامین الهی؛ سعادت و کمال انسان‌ها	طهماسبی بلداجی (۱۴۰۲)
محوریت خدا؛ قانون‌گذاری؛ مبارزه با فساد، کاهش فاصله طبقاتی، آزادی مدنی	حلیمی‌جلودار و همکاران (۱۴۰۱)
شفافیت اقتصادی، شفافیت دینی، شفافیت رفتاری، امر به معروف و نهی از منکر	رستگار و موسوی داودی (۱۴۰۱)
ارتباط مطلوب کارگزاران با مردم، حفظ کرامت انسانی، نحوه مدیریت و حکومت‌داری، انتقادپذیری و تفکر منطقی، حق حیات، آزادی عقیده انسان	شاهنده (۱۴۰۱)
قانونمندی، مشارکت مردم، پذیرا بودن انتقادات، پاسخگو بودن، مسئولیت‌پذیری، اثربخشی و کارایی، شایسته‌سالاری	طباطبایی و همکاران (۱۴۰۱)
مشارکت، پاسخگویی، تساوی حقوق، مساوات، احترام به قانون، رفتار صادقانه	منتظری و کاظمی (۱۴۰۱)
صداقت، راست‌گویی، مبارزه با فساد، خصلت نیکو	علویان و همکاران (۱۴۰۱)
تقوا، شجاعت و قدرت، عدالت‌گرایی، انصاف و مدار با مردم	عمارلو (۱۴۰۱)
سلوک شخصی حاکم، تعامل با رعیت و مردم، وظایف مردم نسبت به حاکم، مدیریت منابع انسانی، مدیریت برخورد با دشمن، عدالت‌خواهی، اتصال به قرآن و سنت، تعبد،	ترلی کلاته قاضی (۱۴۰۰)



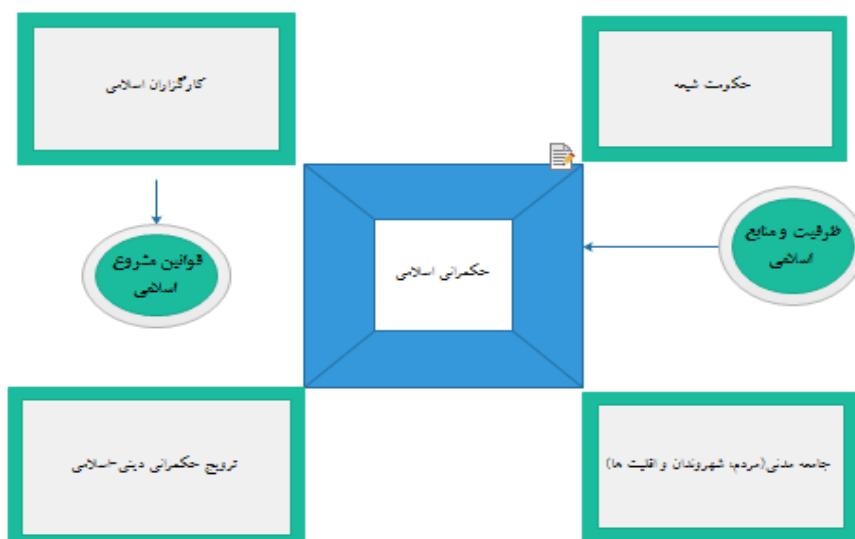
تعهد، تقوای شخصی، ولایت‌مداری، شایستگی، رسیدگی و تققد، نظام حقوق و دستمزد، سازمان‌دهی، حفظ کرامت مردم	
اعتماد اجتماعی، ارزش‌های اخلاقی، توسعه عدالت اجتماعی، کاهش تبعیض اجتماعی	بهمنی (۱۴۰۰)
پاسخگویی، مبارزه با فساد، شفافیت، قانون‌گرایی، مدارا با مردم و ساده زیستی؛ و حیطة تعامل با کارگزاران، مشورت در امور، قاطعیت، نظارت، تشویق و انذار	نهادی و سیاهکلی مرادی (۱۴۰۰)
سیاست‌گذاری اقتصادی، روش صلح‌آمیز، اشراف اطلاعاتی نسبت به اوضاع کشور، آگاهی سیاسی	معین‌آبادی بیدگلی (۱۴۰۰)
اخلاق‌مداری، انسانیت، اصل حق‌و حقوق، عدالت اجتماعی، اعتماد سیاسی، کارگزاران صالح و شایسته	شریعی (۱۳۹۹)
پاسدداشت پابندی به اصل کیفیت استخدام، صداقت، وفای به عهد، امانت‌داری، اصل عدالت و اصل حق‌طلبی	سعیدی و همکاران (۱۳۹۷)
رفقار متعالی، تعامل با مردم، سرمایه اجتماعی، فقرزدایی، توجه به امور دینی	منتظری و همکاران (۱۳۹۷)
اخلاق اسلامی، پاسخگو بودن، قانون‌گرایی، قضاوت عادلانه، مشارکت مردمی، مبارزه و برخورد با مفاسد اجتماعی	موسوی و همکاران (۱۳۹۷)
تربیت مردم، حفظ وحدت و تقویت حکومت، مصالح امور مردم، بهره‌مندی و رفاه مردم	سادات هاشمی (۱۳۹۵)
تقوای الهی، توجه به اخلاق و معنویت، صداقت، حسن تدبیر، رعایت عدالت و انصاف، رفق و مدارا و عدم تبعیض، عمران و آبادانی جامعه	شایگان (۱۳۹۴)

۳/۲. نقد و نوآوری پژوهش

نهج‌البلاغه منبع عظیم، غنی و علمی چندوجهی در باب مسائل فرهنگی-سیاسی-اقتصادی و اجتماعی روز جهان محسوب می‌شود، از جمله از کارکردهای آن در حوزه نصاب، سیاست، حکمرانی، مملکت‌داری، الگوهای اداری-سازمانی و همچنین سبک زیستی سیاسی-فرهنگی روز می‌توان اشاره نمود. نتایج بررسی پیشینه نشان می‌دهد که حکمرانی اسلامی، دارای ساختاری پیچیده و چندوجهی در اندیشه امام علی (ع) است. بر این اساس یکی از حلقه‌های مفقوده مطالعات در باره نهج‌البلاغه؛ فقدان نگاه جامع به حکمرانی است، به طوری که حکمرانی صرفاً در اندیشه سیاسی

خلاصه نبوده و تنها در این امر، مملکت‌داری و حکومت‌داری ملاک نیست، بلکه گونه‌های مختلفی از جمله حکمرانی اجتماعی، حکمرانی فرهنگی و حکمرانی اقتصادی نیز از دل نهج البلاغه به مقتضای زمان آن قابل کشف و شناسایی است که در پژوهش حاضر سعی شده از این منظر نگاه کرده و آن را تبیین نماید.

۴/۲. الگوی نظری- مفهومی پژوهش



شکل شماره ۲: الگوی نظری پژوهش

۵/۲. روش پژوهش

روش تحقیق اسنادی در بررسی حکمرانی اسلامی در نهج البلاغه با تأکید بر خطبه‌ها، نامه‌ها و کلمات قصار امام علی علیه السلام است که هدف اصلی استخراج و تبیین الگوی حکمرانی اسلامی مبتنی بر آموزه‌های نهج البلاغه است که از سؤال اصلی مهم‌ترین الگوها و راهبردهای حکمرانی اسلامی از دیدگاه امام علی علیه السلام چیست؟ استفاده نموده است. برای گردآوری و استخراج (واحد تحلیل و واحد مشاهده)، از خطبه، نامه و کلمات قصار در شاخص اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی استفاده شده است. برای سنجش رویایی و اعتبارسنجی از روایی محتوایی مثلث‌سازی منابع؛ قابلیت تعمیم (تحلیل زمینه‌ای تطبیق مفاهیم با مدل نظریه حکمرانی اسلامی و مطلوب) بهره گرفته است.





منابع موجود برای تحلیل و گردآوری منابع دست اول (نهج البلاغه) و منابع دست دوم (آثار علمی، مقاله و رساله‌های منتشرشده درباره حکمرانی علوی - اسلامی پیرامون نهج البلاغه) بوده است.

۶/۲. یافته‌های پژوهش

در این بخش به مهم‌ترین یافته‌های پژوهش با استفاده از منابع دست اول و دست دوم اشاره شده است.

الف: حکمرانی سیاسی:

میانروی سیاسی

در نهج البلاغه، میانروی در سیاست را مورد تأکید بوده و امام علی (ع) اصل مدارا، هدایت و ارشاد نسبت به خاطی را برای جلوگیری از درگیری و خونریزی مطرح می‌کرد (نواقب، ۱۳۹۱: ۱۶). در خطبه ۲۱۶ به حق محوری به جای قدرت‌طلبی تأکید نموده است:

«اگر نبود حضور بیعت‌کنندگان... حکومت را رها می‌کردم» (خطبه/ ۲۱۶)

در نهج البلاغه، انسانیت، عقلانیت، توحید، مدارا و حفظ کرامت انسانی از ملاک حقوق اجتماعی مردم بوده (امانی و عبدالملکی، ۱۳۹۱) و فرمودند که:

راست روی و چپ روی، گمراهی است و راه میانه، جاده زندگی است» (خطبه/ ۱۶)

از نظر امام دولت عادل از واجبات و پیشوای عادل از باران پیوسته بهتر است (دلشادتهرانی، ۱۳۷۷: ۶۹). معیار سیاست در برپایی عدالت بوده (درخشه، ۱۳۸۶: ۱۱) و ایشان بر غیراستبدادی بودن حاکم؛ عادل بودن؛ اتکا به آرای جامعه، تأمین حقوق آزادی سیاسی و پرهیز از جنگ، خشونت و ترساندن مردم (روشن و صدرآبادی، ۱۳۹۱) تأکید داشته است.

نظارت و کنترل سیاسی

حسابرسی از کارگزاران، نظارت بر چگونگی رفتار با مردم، مراقبت از غارت بیت‌المال، نظارت بر رفتار سیاسی کارگزاران؛ از الگوهای سیاسی امام (ع) است (طاهری و حیدری، ۱۳۹۱). نظارت در امر مدیریتی (مولوی، ۱۳۹۵: ۱۱)، توصیه به نیکو رفتاری حاکمان با شهروندان (لیثی واسطی، ۱۳۷۶: ۴۳۱)، واریسی و بازخواست آن‌ها نسبت به زبردستان (حائری، ۱۳۸۶: ۱۱۸)، نظارت بر انتصاب‌های سیاسی بر مبنای لیاقت، کاردانی و نفی روابط شخصی و خویشاوندگرایی در ادارات؛ تبیین وظایف و تکالیف سیاسی

۱. لَوْلَا حُضُورُ الْحَاضِرِ... لَأَلْتَقَيْتُ حِيلَهَا



رهبری، پاسخگویی و قانون‌گرایی کارگزاران با مردم (ثواب، ۱۳۹۱: ۱۷) از اخلاق سیاسی ایشان هستند. به طوری که در نامه ۵۳ این‌طور فرموده است که:

«سپس بر کارهای آنان (زامداران و مسئولان و کارگزاران) دیده‌بانانی راست‌گو و وفای‌پیشه بر ایشان بگمار که مراقبت مخفی و نهانی تو در امور و رفتار و کارهای ایشان، برانگیزاننده آنان است به رعایت امانت و خدمت و رفق و ملایمت با مردم».

انتقادپذیری حاکم

حکومت علوی، شهروندان به انتقاد از عملکرد حاکم با رویکرد مشورت و ارزیابی عملکرد سیاسی آن‌ها دعوت نموده است. امام علی علیه السلام چنین بیان کرده است:

«اگر خطا کردم، مرا مهار زنی (خطبه / ۲۱۶)»^۱

پس انتقاد بجا و مناسب؛ ضمن اصلاح حاکم و رویه‌های مدیریت سیاسی؛ بهترین ابزار جهت ارتقای سواد سیاسی؛ رشد اجتماعی و تقویت احساس مسئولیت مدنی است (موسوی کاشمیری، ۱۳۸۱: ۱۸۲).

مبارزه با اشرافیت سیاسی

«خواص از من دور شدند چون حق را به آنان بازگرداندم و امتیازاتشان را گرفتم (خطبه / ۳)»
خواص نباید جای مردم را در سیاست بگیرند. در این میان حذف رانت‌ها، عدالت در انتصابات، مقابله با خویشاوندسالاری تأکید شده است (مطهری، ۱۳۸۰)

تکریم آزادی سیاسی

احترام به آزادی در سیاست، قانون‌گرایی، توجه به حقوق مردم و رعایت اظهارنظر آن‌ها نسبت به حاکم (سعیدی، ۱۳۷۹: ۳). از معیار حکمرانی امام علیه السلام است. بر این اساس؛ در حکومت ایشان، آزادی در داشتن انتخاب و آزادی بیان، محترم بوده و به شدت از تفتیش عقاید مردم منع شده است (جوان آراسته، ۱۳۸۱: ۷۳).

منظور از این آزادی، برابری و فرصت‌های منصفانه در امور سیاسی است (سیاهکالی و نهادی، ۱۴۰۰). به طوری که حضرت علی علیه السلام (نامه / ۵۳) به مالک اشتر (رحمانی، ۱۳۷۹). می‌فرماید:

۱. فَإِذَا أَنَا فَعَلْتُ ذَلِكَ فَاحْمِلُونِي

«مالک در جامعه، مردم یا در دین با تو برادر هستند و یا در آفرینش مانند تو می‌باشند، هرگز خود را تافته جدا بافته فرض نکنی (نامه/۵۳)».

اصل مردمی بودن حکومت

امام علی علیه السلام کارگزاران خود را از خودبزرگ‌بینی و ایجاد فاصله از مردم بر حذر داشته (دستی، ۱۳۸۸: ۴۰۵) و جز اصول حکومتی امام، متکی بودن به مردم است. مشارکت در قالب مشورت، یکی از رؤس سیاست‌های امام علیه السلام نشانه دخالت مردم در سرنوشت خویش بوده و به مفهوم مردمی‌سازی حکمرانی و دولت است. ایشان رابطه مردم با حکومت را معادل رابطه پدر و فرزند دانسته و در این نوع رابطه مبتنی بر لطف و محبت استوار است (نامه/۵۳). در این نامه تأکید شده که حاکم باید با نخبگان و مردم مشورت کند و از عقل جمعی بهره‌برد و از تشکیل شوراهای مردمی، انتخابات شفاف، نهادینه‌سازی مشارکت بهره‌گیرد. به اعتقاد امام، رعایت حقوق بین‌والی و رعیت و تقویت زمینه‌های مهربانی و رعایت عزت دینی بسیار مهم است (اخوان کاظمی، ۱۳۸۷). به این ترتیب امام علی علیه السلام، اصل مردمی بودن حکومت را در برپاداشتن فرایض الهی، تخلق به فضیلت، مراعات مردم، مشورت، تعامل و همکاری با شایستگان و دانایان، دلسوزی به مردم و تلاش برای ارتقای رفاه آن‌ها و ترویج نشاط اجتماعی می‌داند (جعفری، ۱۴۰۱: ۲۸۶). وی دلیل پذیرش مسئولیت حکومت اسلامی را گرفتن حقوق مظلوم از ستمگر دانسته است (حمیدی و رمضان شمس، ۱۳۹۸: ۲۲۴).

پرهیز از استبداد سیاسی

در حکومت اسلامی، ظلم حاکم بر مردم موردپذیرش نبوده و به شدت از آن نهی شده است. در تاریخ، آزادی در اندیشه امام علیه السلام، راه تحقق به مدینه فاضله و جلوگیری از استبداد حاکمان است (بهرامی و همکاران، ۱۳۹۱). خطبه ۲۲۱ (در مورد پیامدهای ظلم) و نامه ۵۳ به مالک اشتر (دستور به پرهیز از ظلم)؛ نشان می‌دهد که از بزرگ‌ترین اصول حکومت امام، پرهیز مطلق از هرگونه ظلم و ستم، چه به صورت فردی و چه حکومتی بود. ایشان ظلم را پایمال‌کننده حقوق و از بین برنده بنیان‌های جامعه می‌دانستند.

ایشان یکی از راه‌های حکمرانی را دوری از استبدادزدگی کارگزاران سیاسی و مشورت در مسائل سیاسی می‌داند (عشایری، ۱۳۹۵: ۲۶). حق‌گرایی و انصاف در قدرت سیاسی از الگوها و راهبردی مهم

ایشان بوده است. به طوری که: «به خدا سوگند اگر شب را با خار در گلو به سر ببرم، برایم بهتر است از اینکه در قدرت خیانت کنم (خطبه ۲۱۶)».

امام بر قدرت ابزاری برای اقامه حق است، نه خودنمایی و ظلم تأکید نموده است که در آن اخلاق سیاسی، مبارزه با فساد، مسئولیت‌پذیری توجه شده است.

عدالت قضایی

یکی از وظایف بسیار مهم حاکم، اجرای عدالت بین طرفین حق است (سعیدی، ۱۳۷۹: ۶). وی بر این تأکید داشت که حکومتش بر قانون الهی متکی بوده و به هیچ توصیه‌های فراقانونی توجه نکرده و هرچند از آن رنجیده باشد (زارعی و آرابی، ۱۴۰۰: ۱۰). چنین فرموده است:

«در نگاه و اشارات بین قوی و ضعیف یکسان باش (نامه ۵۳، بند ۵۴)

این پیام نشان می‌دهد که قضاوت بدون جانب‌داری حتی میان مسلمان و غیرمسلمان و داوری عادلانه در ماجرای زره گمشده با یهودی از الگوهای قضایی امام بوده است.

به طور کلی عدالت قضایی، نشانگر یک حکمرانی مقتدر، سالم و توسعه‌یافته است. امام علی علیه السلام بر این تأکید داشتند که: نشانه دیگر جامعه بیمار آن است که زبان در کام از چرخش به صدق و پاکی ناتوان و گریزان بوده و بازار شایعه، افترا، دروغ، تملق و چاپلوسی خیلی داغ و پررونق است و راستی و درستی متاع زائد و بی‌ارزش است و انسان‌های صادق به دلیل عدم شفافیت و امنیت، از اظهار حقایق ابا داشته و واقعیت‌ها را کتمان می‌کنند (کامرانیان، ۱۳۸۷).

ب: حکمرانی اجتماعی:

تأمین امنیت اجتماعی

هدف اصلی از شکل‌گیری حکومت اسلامی نه اعمال قدرت، بلکه توسعه معنویت، ایجاد امنیت اجتماعی، افزایش رفاه مدنی، رواج و حاکمیت قانون است (حمیدی و رمضان شمس، ۱۳۹۸: ۲۲۳). تأمین امنیت، آرامش جامعه و کاهش جنگ و تنش، برخورد با ناهنجاران اجتماعی و کنترل اجتماعی نامنی (اخلاقی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی)، از وظایف حکمرانی اسلامی است. خطبه ۲۳۱ (اشاره به مسئولیت حاکم در قبال امنیت مردم) نشان می‌دهد که امام علی علیه السلام امنیت جامعه را درگرو اجرای عدالت و قانون می‌دانستند. ایشان تلاش می‌کردند تا جامعه‌ای امن و آرام برقرار شود که در آن هیچ‌کس مورد ظلم و ستم قرار نگیرد و حقوق همه محفوظ باشد. به طور کلی در



سیره ایشان، دفاع از مرزهای حکومت و جامعه اسلامی امری جدی و وظیفه‌ای فراموش ناشدنی است. به طوری خود را متعهد به مبارزه با مخالفان حق، اهل ضلال و عدم سستی در برابر آنان می‌داند (فرزانه‌فر، ۱۳۸۳: ۱۵۰).

«به ناچار برای مردم امیری لازم است؛ خواه نیکوکار یا بدکار، تا به وسیله او با دشمن جنگ شود و راهها امن گردد و حقوق ضعفا از اقویا گرفته شود و نیکوکاران در رفاه باشند و از شر بدکاران آسایش داشته باشند (خطبه / ۴۰).

دفاع از دین، راست گردانیدن حق، اصلاح امور، امنیت مردم و دفاع از مظلومان؛ حمایت از حقوق عمومی از ویژگی حکومت امام علی (ع) بود (ثواقب، ۱۳۹۱: ۲). حکمرانی امام علی (ع)، در تأمین امنیت عمومی به تشکیل سپاه، بسیج مردمی، رسیدگی به وضعیت نیروهای نظامی، اولویت دادن بر صلح، دوراندیشی و حزم با دشمن در زمان صلح تأکید داشته‌اند (رهنما و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۹).

پیشگیری اجتماع محور فساد

همانا حاکم، امین و حافظ خدا در روی زمین، توسعه‌دهنده عدالت، کاهش تبعیض و مانع از ظهور و افزایش فساد و قانون‌گریزی است (خوانساری، ۱۳۴۶). همچنین در جای جهت کاهش فساد و مبارزه با آن در جامعه (نامه / ۳۹) فرموده‌اند: «به خدا قسم... همیشه در عدالت اجتماعی گشایشی است؛ و هرکس عدالت را برتابد، ستم را سخت‌تر یابد»

امام در ادامه تذکری به کارگزاران اموال عمومی داده و آن‌ها را به رعایت حق و مبارزه با رشوه و خیانت (دشتی، ۱۳۸۵: ۳۵۷) توصیه نموده است. به طوری که در نامه ۵۳، نمایندگان جامعه خود را به کنترل اجتماعی فساد، پایبندی به قانون و حفاظت از اموال عمومی جامعه و همچنین ممانعت شیوع از فحشا و منکرات در جامعه فراخوانده است (سیادت، ۱۳۸۵: ۳۴). بر این اساس اصل تعهد و مسئولیت‌پذیری، خدامحوری در کارها، نظارت مردمی، جمع‌گرایی و توجه به نظارت و اقتدار قضایی، از الگوهای اجتماع محور در پیشگیری از فساد در جامعه هستند.

شایستگی کارگزاران

یکی از شاخصه‌های حکومت ایشان اهتمام در شایسته‌سالاری کارگزاران و عوامل اجرایی است که شامل حکمت داشتن و مدیریت عالمانه، تدبیر در سیاست، شجاعت در بیان حق و قاطعیت در برخورد با فاسدان، تقوی الهی، امانت‌داری از مال مردم و خدمتگزاری به مردم هستند.



امام علی علیه السلام، شیوه برخورد و اصول مدیریت را در نامه خود به مالک اشتر، از تقوا و خداگرایی آغاز می‌کند و او را به ترس از خدا فرمان می‌دهد و اینکه اطاعت خدا را بر دیگر کارها مقدم دارد و از آنچه در کتاب خدا درباره واجبات و سنت‌ها آمده است، پیروی کند؛ دستوراتی که جز با پیروی آنها رستگار نخواهد شد، و جز با نشناختن و ضایع کردن آنها جنایتکار نخواهد شد (نامه/ ۵۳).

ایشان در گزینش افراد در مناصب حکومتی به شاخص‌هایی چون عدالت‌ورزی، شایسته‌سالاری، تجربه‌گرایی، ضابطه و قانون‌گرایی، امانت‌داری، مسئولیت‌شناسی، الگو بودن مدیران، شفافیت، تقوا محوری و پرهیز از اسراف (مفتح و همکاران، ۱۳۹۴) تأکید و توجه کرده است:

«کارگزاران دولتی را از میان مردمی انتخاب کن که اخلاق آنان گرامی‌تر، و آبرویشان محفوظتر، و طمع ورزی‌شان کمتر است (نامه ۵۳)».

مدارای اجتماعی

امام سعه‌صدر را شاخصه حاکم اسلامی می‌داند. در این باره امام علی علیه السلام این‌طور (خطبه/ ۲۱۶) می‌فرماید: «با من همانند سرکشان سخن نگویند، آن‌گونه که با تیزخویان می‌کنند، از من دوری نجسته و با ظاهر آربی آمیزش مدارید و شنیدن حق را برایم سنگین مپندارید.....».

حضرت در نامه‌ای خطاب به مالک اشتر (نامه/ ۵۳/ بند ۳۶) می‌نویسد:

«مهربانی با مردم را پوشش دل خویش قرار داده و با همه مهربان و دوست باشید. مبادا هرگز همانند حیوان شکاری باشید که خوردن آنان را غنیمت بدانی؛ زیرا مردم دودسته‌اند: گروهی که برادر دینی تو و گروهی دیگر همانند تو در آفرینش و خلقت هستند.....».

عدالت اجتماعی

عدالت اجتماعی، آرمان والای انسانی در طی تاریخ بوده و امام علی علیه السلام، نماد برجسته عدالت در تاریخ بشری بوده که در حیات فردی و اجتماعی ایشان متجلی شده است (پورکاویان و صرفی، ۱۴۰۱: ۲۱۵). عدل پایه و زیربنایی است که پایداری حکومت به آن بستگی داشته و الفبای اصلاح در جامعه است (مولایی، ۱۳۹۳: ۱).

امام علی علیه السلام در این باره (حکمت/ ۴۷۶) چنین فرموده است:

«عدالت را به کارگیر و از بی‌انصافی و بی‌عدالتی بر حذر باش که بی‌انصافی کردن با مردم آنان را آواره می‌کند و بی‌عدالتی به قیام مسلحانه وامی‌دارد»



این عدالت، سرمایه مهم جامعه بوده و به خلق و توسعه امید اجتماعی و خوشبینی و اعتماد به حکمرانی می‌شود و در صورت کژ کارکردی حاکم، جامعه دچار بی‌اعتمادی، ناامیدی و بدبینی می‌گردد. رعایت عدالت باعث تعادل در جامعه بین اقشار گوناگون شده و همچنین معیاری برای تدبیر عمومی مردم است (قرائتی، ۱۳۹۰). بی‌عدالتی موجب به انحراف کشیدن انسان‌ها می‌شود. مهم‌ترین رکن حکومت از نظر امام علی علیه السلام، اصلاح جامعه، ایجاد عدل و داد اسلامی و ایجاد فرصت‌های برابر بین اقشار مردم بوده است (مشرف جوادی، ۱۳۹۲: ۲۱۵). برپایی قسط و عدل، وظیفه اصلی حکومت و مهم‌ترین شاخصه آن است. عدالت باید در تمام سطوح، از جمله توزیع عادلانه منابع، رعایت حقوق و برخورد یکسان با همگان، جاری باشد. (خطبه ۱۵۷) نامه ۵۳ به مالک اشتر، سرشار از دستورالعمل‌های عملی برای برقراری عدالت در قبال مردم، به‌ویژه اقشار ضعیف و مستضعف است. بر این اساس ایشان وجود حکمرانان عادل، پرهیزگار و منصف را الزامی دانسته و آن را بسترساز سرمایه اجتماعی و خلق‌کننده اعتماد حکومتی معرفی نموده است. در جامعه اسلامی، حکمرانان عادل بایستی عدالت برای عموم مردم و بدون تبعیض اجتماعی اجرا نموده و حقوق مظلوم را از ظالم بگیرند (خطبه/۱۵).

«به خدا سوگند، بیت‌المال تاراج شده را هرکجا که بیابم به صاحبان اصلی آن بازمی‌گردانم. گرچه با آن ازدواج کرده یا کنیزانی خریده باشند، زیرا در عدالت گشایش برای عموم است. آن کس که عدالت بر او گران آید، تحمل ستم بر او سخت‌تر است»

مساوات و نفی تبعیض اجتماعی

«آگاه باشید! عرب را بر عجم، یا سفید را بر سیاه برتری نیست. جز به تقوا (خطبه/۲۱۶)»
این خطبه نشان می‌دهد که در اندیشه ایشان، همه انسان‌ها نزد خدا برابرند و ملاک، تقواست و حکمرانی اسلامی باید برای رفع تبعیض قومی، طبقاتی، جنسیتی؛ ترویج فرصت برابر برای همه تلاش نماید.

خلق و حفظ سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی به معنای پیوند متقابل بین مردم و حاکم است به‌طوری‌که اعتماد، مشارکت و انسجام اجتماعی بسترهای حکمرانی اسلامی را فراهم می‌سازد (ثواب، ۱۳۹۱: ۲). سیاستی که امام دنبال کرده، تکیه بر صداقت، صراحت و راست‌گویی بوده و دلیل حفظ ارتباط با مردم و تولید

سرمایه اجتماعی است. ایشان، با مردم بسیار صادقانه سخن گفته و آشکارا با مردم برخورد می‌کرد (خطبه/ ۱۰۸) و می‌فرمود:

«پیشوای قوم باید با مردم خود به‌راستی سخن راند»

پس حاکم نباید به دست انسان نادان، ظالم، ناعادل، بدعت‌گذار و اهل رشوه قرار بگیرد؛ چنین فردی جامعه را با انحراف و کجی سوق می‌دهد. حاکم جامعه باید پرهیزگار، راست‌گو و بانصاف بوده و مردم از دست آن همیشه راضی باشند. وی راست‌گویی، نیکو رفتاری، اعتماد، کاهش فشار مالی بر مردم، متخلق به آداب پسندیده، حشرونشر با مردم و خردمندان، پرهیز از امتیازخواهی - ستمگری و سوءاستفاده از بیت‌المال، غرور و تکبر را از خصیصه یک والی اسلامی داند (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۲).

«مبادا بگویی من امیرم و باید فرمانم اطاعت شود؛ زیرا این موجب فساد در دل و تباهی در دین می‌شود (نامه/ ۵۴).

باید گفت یکی از سازوکارهای اعتماد عمومی میان مردم و حاکم این است که باید درد مردم را حس نموده و خود را در سطح آنان قرار دهد و این امر از طریق ساده‌زیستی مدیران، پرهیز از اشرافی‌گری، مشارکت در رنج مردم تحقق می‌یابد. در کلام ایشان، انسجام و پیوند با مردم بر اساس تفاهم اجتماعی و خلق مشترک و صمیمیت اصلی مهم بوده و تعامل صمیمی حاکمان، کارگزاران با رعیت و مردم تأکید داشته که به‌دوراز منفعت‌طلبی و سودجویی ابزاری و مادی بوده است (علینی و غفاری، ۱۳۹۴: ۹۲).

ج: حکمرانی اقتصادی:

فقرزدایی

مسئله فقر، از نابسامانی اجتماعی و اقتصادی محسوب می‌شود که رفع نیازمند به‌کارگیری سیاست‌های خاص اقتصادی در حکمرانی اسلامی است (امانی‌پور و همکاران، ۱۴۰۱: ۶۱). تساوی در اصل دریافت حق، ایجاد فرصت اقتصادی برابر و فقرزدایی سه معیار در تشخیص فرآیند عادلانه در حکومت اسلامی است. وی در گام اول به ایجاد فرصت برابر اقتصادی، گام دوم؛ شفافیت در قوانین و وضع قوانین مالی عادلانه و در گام نهایی پیامدهای حاصل از آن (کاهش فقر و طبقات محروم) تأکید داشته است (جهان‌بین و نعمتی، ۱۳۹۴: ۱). امام علی علیه السلام، یکی از علل شیوع فقر

در جامعه را نابرابری در توزیع منابع اقتصادی دانسته و افزایش فقر ناشی از عدم رعایت عدالت، انحصار ثروت در دست توانگران و ثروتمندان دانسته است (نیازی و عشایری، ۱۳۹۵: ۲۳۸). امام علی (ع) (نامه/ ۵۳) گشایش و رفاه در مسائل مادی را مایه سامان جامعه و اصلاح مردم معرفی نموده و در حکمت (۳۱۹) بی‌گمان تنگدستی را زبانی برای حکومت دینی می‌داند. حکومت در اندیشه ایشان؛ مسئول اصلی وجود فقر در جامعه است. بر این اساس؛ دلایل عمده تنگدستی مردم را اولاً چشم‌داشت زمامداران برای جمع کردن کردن، دوم سوءظن زمامداران به ماندگاری و سوم، کم سود بردن از عبرت‌ها (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۱) معرفی کرده است.

اولویت‌بخشی به محرومان و تنگدستان

خطبه ۴۲۱ (اشاره به وظیفه حکومت در قبال فقرا) و خطبه ۳۱ (به نیکی به فقرا اشاره دارد). یکی از برجسته‌ترین ویژگی‌های حکومت امام، رسیدگی مستمر به فقرا، یتیمان و بیوه‌زنان بود. ایشان این قشر را «مردم» واقعی جامعه می‌دانستند و تأمین معاش و رفع نیازهای آنان را وظیفه‌ای اساسی برای حاکم برمی‌شمردند.

حضرت علی (ع) در این باره فرمود:

«در امور مردم که به تو دسترسی ندارند و دیگران به دید تحقیر به آن‌ها می‌نگرند؛ بررسی نموده و برای این امر، فرد قابل اطمینان، معتمد و خداترس و متواضعی را بگمار تا وضعیت آن‌ها را به تو گزارش نمایند (ثواب، ۱۳۹۱: ۵).»

پیام‌های امام علی (ع) به مجریان و مدیران ارشد حکومت، حاکی از اهتمام ایشان به محرومان و تأمین اجتماعی فقرا (جعفری، ۱۳۶۹: ۷۴) تأکید نموده است:

«ای مالک، درباره طبقات پایین جامعه که راه چاره‌ای ندارند و در فشار؛ فقر و تنگدستی زندگی می‌کنند، هرگز خدا را فراموش نکنید (نامه/ ۵۳).»

امام علی (ع) در ساده زیستی و قناعت، زندگی خود را با مستمندان جامعه برابر قرار می‌داد. مبنای حکومت را مبارزه با زیاده‌طلبی؛ دفاع از فقرا و پشتیبانی از ضعفا و مقابله با ظلم توانمندان قرار داده بود.

امام علی (ع) در حمایت از محرومان در خطبه ۱۹۲ (قاصعه)، بند ۲۹۸ چنین فرموده است:



"خداوند در اموال ثروتمندان، روزی فقرا را واجب کرده است."^۱

ایشان ایجاد نظام تأمین اجتماعی برای یتیمان، بیماران و زمین‌گیران از بیت‌المال. مثال: دستور به تأمین جهیزیه زنان بی‌بضاعت.

عدالت اقتصادی

در این باره، چنین بیان نموده است که:

«خداوند از علما پیمان گرفت که در برابر شکم‌بارگی ستمگران و گرسنگی ستمدیدگان سکوت نکنند (خطبه/۱۵). توزیع عادلانه ثروت، مبارزه با ربا و احتکار، حمایت از تولید و تأمین معیشت عمومی. بیت‌المال، امانت الهی است که باید در مصارف صحیح صرف شود (نامه/ ۴۱).

همچنین در نامه ۵۳ به مالک اشتر بیان کرده است که «به بازار و بازرگانان رسیدگی کن، مبادا فریبکاری و احتکار در کارشان باشد» (سبحانی، ۱۳۸۵). این نشان می‌دهد که توزیع عادلانه منابع و جلوگیری از تمرکز ثروت در دست طبقه خاص در قالب سیاست‌گذاری مالیاتی عادلانه، نظارت بر قیمت‌ها، مهار احتکار از روش حکمرانی اقتصادی ایشان بوده است.

حفاظت و پاسداری از بیت‌المال

توزیع بیت‌المال و کیفیت آن، از مسائل حساس در نظام و حکمرانی اسلامی بوده و توزیع عادلانه آن سبب رفاه عمومی، نشاط اقتصادی و تأمین اجتماعی کلیه اقشار جامعه می‌گردد (حاجی‌زاده و همکاران، ۱۴۰۲: ۱۴۵). امام علی علیه السلام درباره زهد و امانت‌داری خود نسبت به بیت‌المال می‌فرماید:

«به خدا سوگند اگر شب را با خار در گلو و ریسمان بر گردن به سر ببرم، برایم خوش‌تر است تا آنکه روز قیامت با خیانت به بیت‌المال خدا دیدارش کنم (خطبه/۲۳۲).

آن حضرت بر مبنای تساوی حقوق همه افراد در برابر قانون اسلام و بیت‌المال، کلیه امتیازات طبقاتی که از زمان خلیفه دوم شروع شده بود را لغو کرد (داودی و رستم‌نژاد، ۱۳۸۷: ۱۴۶):

«به خدا سوگند! اگر اموال بیت‌المال را بیابم که مهر زنان شده و یا کنیزانی خریده باشند، آن را به بیت‌المال برمی‌گردانم».

۱. إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ فَرَضَ فِي أَمْوَالِ الْأَغْنِيَاءِ أَقْوَاتَ الْفُقَرَاءِ



همچنین ایشان شدیدترین سرزنش‌ها را نسبت به تخلفات فرماندار خود در بصره ابراز داشته و او را به خیانت در اموال بیت‌المال و حیف‌ومیل آن توبیخ نموده و به بازگرداندن اموال مسلمین فرمان می‌دهد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ۴۹۱). ایشان بر راهبردهایی از جمله کوشش در آبادانی زمین و افزایش قدرت اقتصادی دولت اسلامی (نامه/۵۳)؛ تدوین شیوه‌نامه گردآوری و پاسداشت از بیت‌المال (نامه/۲۵)؛ دقت در گزینش و انتصاب مأموران بیت‌المال (نامه/۵۳)؛ تقسیم مساوی بیت‌المال بین آحاد جامعه و جلوگیری از تبعیض (خطبه/۱۵)؛ دقت در تقسیم عادلانه بیت‌المال و نظارت دقیق بر عملکرد مسئولین بیت‌المال (نامه/۲۰)؛ برخورد قاطع با سوءاستفاده از اموال عمومی مردم (دین‌پرور و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۸۱) را در ارتباط با حراست از بیت‌المال و استفاده از آن ارائه نمود. به این ترتیب نامه‌های امام علی (ع) به زیاد بن ابیه، جانشین و قائم‌مقام عبدالله بن عباس در فارس (نامه/۳۰ و حکمت/۴۷۶)؛ شریح بن حارث قاضی شهر کوفه (نامه/۳)؛ عثمان بن حنیف انصاری عامل حضرت در بصره (نامه/۴۵)؛ مصقلة بن هبیره شیبانی والی اردشیر خره (خطبه/۴۴) و ابن جارود عبدی عامل حضرت در اصطخر (نامه/۷۱) نشانگر اهتمام ویژه امام به بیت‌المال و حراست از آن بوده است.

عدالت و انصاف در توزیع مالیاتی

در اخذ مالیات از مردم، همیشه با انصاف بوده و مدارای اجتماعی را رعایت کنید، ایشان در مورد اخذ مالیات (نامه/۵۳) فرموده‌اند:

«امر مردم جز با سپاهیان استوار نشده و پایداری سپاهیان جز با مالیات و خراج هرگز انجام نگرفته و برای اصلاح مسائل خویش به مردم تکیه کرده و نیازهای خود را برطرف می‌نمایند»
 ایشان در شیوه اخذ مالیات از مردم به الگوهایی از جمله عدالت و پرهیز از ظلم؛ رعایت اصول اخلاقی در برخورد با مؤدیان؛ تقویت انگیزه‌های ایمانی و برخورد روانی و قانونی با متخلفان مالیاتی تأکید داشته‌اند (مروتی و دارابی، ۱۳۹۲: ۱۲۲).

"محبوب‌ترین کارها نزد تو میانه‌روترین در حق، فراگیرترین در عدالت و جلب‌کننده‌ترین رضایت مردم باشد" (نامه/۵۳ / عهدنامه مالک اشتر / بند ۳۱).

۱. وَ لِيَكُنْ أَحَبَّ الْأُمُورِ إِلَيْكَ أَوْسَطُهَا فِي الْحَقِّ، وَ أَعْمَهَا فِي الْعَدْلِ، وَ أَجْمَعُهَا لِرِضَى الرَّعِيَّةِ "



بر این اساس امام علیه السلام تأکید می‌کند منابع عمومی باید به گونه‌ای توزیع شود که هیچ گروهی (چه قومی، مذهبی یا طبقاتی) محروم نماند. مثال تاریخی: رفتار عادلانه امام علیه السلام با یاران و مخالفان در تقسیم بیت‌المال است. نامه ۵۳ به مالک اشتر (در مورد تقسیم سهم مردم از غنائم و فیه) و خطبه ۱۵۷ (اشاره به اموال عمومی و لزوم حفظ آن) مؤید است که امام علی علیه السلام بر این باور بودند که ثروت عمومی باید به شکلی عادلانه بین مردم تقسیم شود و هیچ‌کس نباید سهم بیشتری از دیگری داشته باشد، مگر به حق (مانند سابقه در جهاد یا نیاز بیشتر). ایشان خود شخصاً بر تقسیم بیت‌المال نظارت داشتند و از انباشت ثروت در دست افراد خاص جلوگیری می‌کردند.

مبارزه با نابرابری طبقاتی

ایشان تلاش کردند تا سطح زندگی فقرا را بهبود بخشیده تا فاصله طبقاتی آن‌ها با طبقات مرفه کم شود. در این زمینه؛ امام علیه السلام برای کمک به فقرا باغ خود را فروختند (قتال نیشابوری، ۱۳۶۶: ۱۱). ایشان تأکید نموده که ریشه نابرابری در استثمار اقتصادی توسط حاکمان است:

«هان آگاه باشید! هرگاه حاکمان، حق ضعیفان را بدون ترس غصب کنند، این همان فتنه‌ای است که زمین را ویران می‌سازد (خطبه/۲۱۵)»

وی برای کاهش فاصله طبقاتی و مبارزه با نابرابری اجتماعی؛ سیاست‌های اصلاحی (جعفر پیشه فرد، ۱۳۸۱: ۱۷۲) را به مأموران حکومتی، استانداران و کارگزاران ارائه نموده است. در نامه ۵۳ به مالک اشتر بر ممنوعیت انحصار منابع عمومی تأکید کرده است:

«هیچ کس حق ندارد آب روان را انحصاری کند تا مزارع مردم خشک بماند»

بر این اساس در خطبه ۲۲۴ (اشاره به وظیفه رهبر در برابر مردم و لزوم برابری) و نامه ۴۵ به یکی از کارگزاران (دستور به رعایت حقوق ضعیفان) بر برابری و پرهیز از تبعیض طبقاتی تأکید نموده (مسعودی، ۱۳۷۴: ۱) و جامعه را اعضای یک پیکر واحد می‌دانستند و بر لزوم برابری همه افراد در برابر قانون و حقوق اجتماعی تأکید داشتند. ایشان به شدت با تبعیض‌های ناشی از ثروت، نژاد یا جایگاه اجتماعی مخالف بودند و ریشه نابرابری طبقاتی را در توزیع ناعادلانه منابع عمومی؛ مالیات‌های ظالمانه و انباشت ثروت و پیوند ناسالم ثروت و قدرت می‌دانند.

پرهیز از انباشت ثروت توسط حکومت

"بدانید! من هیچ رازی را از شما پنهان نمی‌کنم مگر در جنگ و هیچ مالی را برای خود ذخیره نمی‌نمایم مگر در حکم الهی" (نامه/ ۵۰).

باید گفت که امام علیه السلام حتی در مقام حکومت، زندگی ساده‌ای داشت و بیت‌المال را انبار نمی‌کرد. مثال: خوابیدن بر روی زمین سخت و پوشیدن لباس وصله‌دار (خطبه ۲۰۹)
رسیدگی به کشاورزان و رونق تولید

"زمین تنها با پرداخت حقوقش (به کشاورزان) آباد می‌شود." ^۲ (نامه ۵۳، بند ۳۳).
در این نامه دستور به توجه به کشاورزان و آبادانی زمین‌ها، یکی از روش‌های حکمرانی اقتصادی تأکید شده و امام علیه السلام کشاورزان را ستون فقرات اقتصاد جامعه می‌دانستند و بر لزوم حمایت از آنان، فراهم کردن ابزار کار، تأمین آب و جلوگیری از ظلم بر آنان تأکید داشتند. آبادانی زمین‌ها و افزایش تولید را وظیفه اصلی حکومت در قبال این قشر قلمداد می‌کردند. به طوری که تأکید بر کاهش مالیات در سال‌های خشک‌سالی و حمایت از کشاورزان به جای فشار برای گرفتن خراج مانند بازسازی نخلستان‌های بصره پس از جنگ جمل، شده است.

د: حکمرانی فرهنگی:

اهتمام به علم و سرمایه فرهنگی

امام علی علیه السلام (حکمت / ۲۰۵) درباره اهمیت «علم و دانش» (تاری، ۱۴۰۱: ۳۳۳) می‌فرماید:
«هر ظرفی به هنگام قرار دادن چیزی در داخل آن از وسعت و حجم آن کاسته شده؛ مگر پیمانه علم و دانش که هر میزان از دانش در آن قرار دهید، وسعت و فراخی آن افزون می‌شود»
ایشان تشویق به تعلیم حتی بردگان و تشکیل حلقه‌های درس در مسجد کوفه تأکید نموده است.
بر این اساس خطبه ۱۸۵ (تأکید بر یادگیری و پرهیز از جهل) و حکمت ۳۹۴ (در مورد ارزش علم)؛ نشان می‌دهد که امام علی علیه السلام به شدت بر اهمیت علم و دانش و تفکر تأکید داشتند. ایشان مردم را به یادگیری، پرسشگری و دوری از تقلید کورکورانه تشویق می‌کردند و علم را چراغ راه هدایت می‌دانستند.

۱. أَلَا وَإِنَّ لَكُمْ عِنْدِي أَلَا أَخْتَجِرُ دُونَكُمْ سِرًّا إِلَّا فِي حَزْبٍ، وَلَا أَطْوِي دُونَكُمْ أَمْرًا إِلَّا فِي حُكْمٍ " .
۲. فَإِنَّ عِمَارَةَ الْأَرْضِ بَأَنْ يُؤَدَّى إِلَيْهَا حَقُّهَا



همچنین چنین بیان نموده است که:

«ای مردم! دانش بیاموزید که آموختنش فریضه است (خطبه/۱۱۰).

ایشان بر کارگزاران خود تأکید می‌کند که با محققان و علما، به فراوانی گفت‌وگو، نشست‌و‌برخاست و با حکیمان زیادی بحث کنید که دلیل اصلاح، توسعه و آبادانی جامعه و شهر، شرط مهم نظم، امنیت و قانون است (نصر اصفهانی، ۱۳۹۱: ۶۰۹).

مبارزه با هوای نفس

پایبندی حاکم به اصول اخلاقی و تقوا، شرط اساسی برای حفظ سلامت حکومت و جلب اعتماد مردم است. حاکم متقی، از لغزش‌ها و گناهان دوری می‌کند (خطبه/۲۰۶). سراسر نهج البلاغه، دعوت به تقوا و خودسازی است و امام علیه السلام تقوا را سرمایه اصلی حاکم می‌داند. امام علیه السلام درباره تربیت نفس، خودکنترلی درونی و مبارزه با هوای نفس (حکمت/۳۵۹) چنین فرموده است:

«ای مردم! تربیت و تزکیه نفس خود را به عهده بگیرید و آن‌ها را از ولع، طمع و آزمندی بازدارید». هوای نفس باعث فراموشی، غفلت و نسیان انسان از مرگ و دنیای آخرت شده و در صورت عدم مهار آن، دنیاگرایی، حق‌ستیزی و دشمنی با عدالت فراوان می‌شود (طاهری سرتشنیزی و موسوی، ۱۳۹۱: ۱۹۵) پیوست: در این باره چنین فرموده است:

«هوای نفس تو جزئی از دشمن‌ترین دشمنان تو به شما می‌رود؛ بر آن غالب باشید وگرنه، تو را هلاک خواهد نمود»

همچنین ایشان در خطبه (۲۳۷) اهمیت و ضرورت خودکنترلی نسبت به نفس رذیله را چنین بیان کرده است:

«و کسی است که دهان نفس خود لجامی زده و کنترل و زمامش را به دست خود دارد؛ چنین فردی هرگاه بخواهد مرتکب گناهی شود، لجامش را گرفته و بار دیگر آن را به فرمان‌برداری خداوندش وامی‌دارد (خطبه/۲۳۷)».

پرهیز از دنیا دوستی

امام علیه السلام درباره پرهیز از دنیا دوستی (نامه/۶۹) چنین فرموده‌اند:

«پرهیز از آن زمان که مرگ تو فرا برسد، درحالی که از پروردگارت خود گریزان بوده و در پرستش دنیا غرق شده باشی».

به این ترتیب در نامه ۳۱، ذکر کرده که دنیا آن‌ها را به راه کوری کشانده و دیدگان آن‌ها را از نور هدایت پوشانده؛ در بیراهه سرگردان شده و در نعمت‌ها غرق هستند؛ نعمت‌ها را خدای خود قرار داده و هم دنیا آن‌ها را به بازی گرفته، هم آن‌ها با دنیا به بازی مشغول اند (طاهری سرتشنیزی و موسوی، ۱۳۹۱: ۱۹۵).
 "کسی که دنیا بزرگ‌ترین دغدغه‌اش باشد، از خدا بی‌بهره است (حکمت/۴۶).

ترویج فضایل اخلاقی-دینی

مهم‌ترین هدف حکومت ایجاد بسترهای شکوفایی، تعالی و توسعه فضایل انسانی-اخلاقی است تا استعدادها در جهت کمال مطلق شکوفا شود.

«هدف بعثت پیامبران، بیداری عقل‌ها و تعلیم کتاب و حکمت است (خطبه/۱).
 وظیفه اصلی حاکم، رشد ایمانی و اخلاقی مردم است. امام علی (ع)، بر این تأکید داشتند (خطبه/۱۲۶) که همه حرف، عمل، برنامه، جنگ، صلح، رابطه و قطع رابطه‌ها بایستی بر رهنمودهای دین اسلام استوار شده باشد (زارعی و آرابی، ۱۴۰۰: ۹). امیر مؤمنان آموزش همگان و رشد اخلاقی و فضایل اخلاقی و شکوفا شدن خصایص اخلاقی در جامعه را از مسائل حساس و مهم حکمرانی معرفی کرده و در خطبه ۳۴ به رشد فضایل اخلاقی توجه کرده، علت هر شر و بدی را فقدان تربیت اخلاقی جامعه بیان نموده است (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۷). در راستای ترویج فضایل اخلاقی؛ امام علی (ع) خطبه/۱۹۲ می‌فرمایند:

«اگر قرار بود که ما در زندگی به چیزی تعصب ورزیده و مقاومت نموده و از آن تخطی ننماییم، آن فضایل اخلاق است. جامعه‌ای سالم و بهنجار است که با ارزش‌ترین رقابت آن در نیکویی، تقوا و فضایل اخلاقی باشد و بهترین مسابقه انسانی در اخلاق پسندیده؛ خردهای بزرگ، مقام‌های والا و نشانه‌های نیکوست. گرامی‌ترین شرافت قابل محاسبه، اخلاق نیکوست»

این امر بایستی در دستور کار حکمرانان قرار بگیرد تا رعیت نیز به همین خصلت انسانی و اخلاقی به مرور آراسته گردند. سازوکارها و راهبردهای حاکمیت فضایل اخلاقی در حاکمان شامل جهاد نفس؛ پرهیز از خودپسندی، نهی از دروغ‌گویی، توصیه به صبر و تحمل، عدم کینه‌جویی، دوری از عیب‌جویی و سخن‌چینی، وفای به عهد و درنهایت رازداری مردم است (رهنما و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۱).

بر این اساس در ساختار حکومتی امام علی (ع)، تخلق به فضایل اخلاقی از جمله ذکر حکومت‌های منصف و عادل تاریخی، اجتناب از خودخواهی، نگرش به حکمرانی بر اصول بندگی الهی، سعه‌صدر،



التزام به تقوای الهی و تقدم فرمان‌های الهی و داشتن کف نفس و مبارزه با هوای نفس، قوانین بسیار مهم و حیاتی تلقی می‌شوند (جعفری، ۱۴۰۱: ۲۸۴).

امر به معروف و نهی از منکر

خطبه ۳۴: «پس بر من است که شمارا خیرخواهی کنم، شمارا آموزش دهم و از جهل برهانم (خطبه/۳۴) و «بدترین مردم کسی است که از گفتن حق و امر به معروف می‌ترسد» (حکمت/۳۷۴)، نشان می‌دهد که جامعه صالح با نظارت و امر و نهی ساخته می‌شود. امر به معروف و نهی از منکر زیربنای صیانت از ارزش‌های دینی و تعالیم اسلامی بوده و در روایات، تنها راه اصلاح امت نامیده شده و برای برپایی تمام فرایض دیگر نیاز به اقامه این واجب الهی و همگانی شدن آن در اجتماع هست. نامه ۳۱، اهمیت این امر را نمایان می‌سازد:

«امر به معروف کن تا همیشه از اهل آن بوده و با دست و زبانت منکر را انکار نموده و از کسی که رفتار ناسزا و نادرستی انجام می‌دهد، با قاطعیت دوری و اجتناب کنی».

توجه به بایدها و نبایدهای اجتماعی در قالب امر به معروف و نهی از امور منکر، از فضیلت و جایگاهی والا برخوردار بوده و تمام اعمال نیک، حتی جهاد در مقابل آن همانند قطره در برابر دریا به حساب می‌آید. در این باره حضرت فرمود:

«هر کس امر به معروف کند، مایه پشت‌گرمی و قوت مؤمنان می‌شود و هر که نهی از منکر نماید، بینی منافقان را به خاک می‌مالد و همچنین غایت دین، امر به معروف و نهی از منکر و اقامه حدود است (حکمت/۳۰)».

مبارزه با سبک زندگی متظاهرانه

در حکمت ۲۲۹ حضرت بیان می‌دارند که قناعت برای رفاه و آسایش کافی است. ساده زیستی در دین اسلام به مقام‌های دولتی و عموم مردم بسیار سفارش شده است (فیض الاسلام، ۱۳۸۰). این چنین فرموده است:

«هرگز نمی‌پنداشتم که تو دعوت مردمی را اجابت کنی که بینوایان را از در می‌رانند و توانگران را بر سفره می‌نشانند. بنگر که در خانه این کسان چه می‌خوری، هر چه را در حلال بودن آن تردید داری از دهان بیفکن و آنچه را، که یقین داری که از راه حلال به دست آمده است، تناول نما (نامه/۴۵)».



برخی از نکاتی که امام علی علیه السلام در این نامه به رعایت آنها توصیه کرده، نموده شامل پاکدامنی، پرهیزکاری، اهتمام به مساکین، کنترل خواهش‌های نفسانی، قناعت، پرهیز از اسراف، همدردی با مردم، ساده‌زیستی، پیروی از امام در شیوه زندگی و حساسیت‌داشتن نسبت به دعوت‌ها و مجالس پذیرایی است. امام علی علیه السلام در دوران حکومتی خود، از تجمل و اسراف به دور بوده و زندگی عادی و ساده را به مأموران حکومتی خود توصیه می‌کرد. نامه‌های زیادی از ایشان در سرزنش کارگزاران تجمل‌گرا موجود است. حتی عثمان بن حنیف حاکم بصره را به سبب حضور در مهمانی ثروتمندان سرزنش کرد (نامه / ۴۵).

مدارا و تساهل مذهبی

در نامه ۵۳ به مالک اشتر (تأکید بر مهربانی و مدارا با مردم) و خطبه ۲۲۰ (در مورد پرهیز از تکبر) تأکید شده و حکومت از دیدگاه امام، صرفاً ابزاری برای مدیریت جامعه نبود، بلکه بستری برای شکوفایی کرامت انسانی و تحقق ارزش‌های اخلاقی بود. رفتار حاکم و کارگزاران باید الگویی از مهربانی، تواضع و احترام به حقوق دیگران باشد. در همین راستا، مدارا، همزیستی مسالمت‌آمیز و تساهل در اندیشه‌های حکمرانان، از معیارهای مهم امام علی علیه السلام محسوب می‌شود؛ به بیان امیرمؤمنان علیه السلام: «هرکسی که نرم‌خو و اهل مدارا بوده، شاخ و بر، دوستان و اطرافیان او بسیار زیاد شود» (حکمت ۲۱۴).

مطالعه و بررسی نشان می‌دهد که واژه تحمل در اندیشه ایشان ۱۴ بار، مدارا ۱ بار، قبول خطای دیگران و بخشش آن ۲۱ دفعه، فروتنی و تواضع در مقابل دیگران ۸ بار، بردباری، صبر و حلم ۱۴ بار، عدم استفاده از تندخویی و خشونت زبانی ۶ بار، تأکید بر عدالت ۲۵ بار، پذیرش و تحمل عقاید دیگران ۱ بار، نرمی و مدارا نمودن ۸ بار، نفوذ و اثر در دل مردم از طریق خوش‌خلقی و خوش‌رفتاری ۴ بار، احترام به آزادی، عدالت و شهروندی ۱۰ بار، داشتن رفتار نیکو با سایرین ۳ بار تکرار شده است (نصر اصفهانی، ۱۳۹۱: ۱۱۴)؛ نشانگر اهمیت توجه به مدارا و تساهل مذهبی در دوران حکمرانی است. ایشان در نامه ۱۹ راجع به میانه‌روی در رفتار با غیرمسلمانان (دلشاد تهرانی، ۱۳۹۴: ۲۴)؛ کارگزاران خود را به رفتار توأمان درشتی و تندخویی آمیخته به نرم‌خوبی و رأفت دعوت نموده است. همچنین در نامه ۵۳ فرموده است:

«از مردمان آن را از خود دورتر دار و با او دشمن باش که عیب دیگران را بیشتر جوید، که همه مردم را عیبهاست، و والی از هرکس سزاوارتر به پوشیدن آنهاست. پس مبدا آنچه را بر تو نهان است، آشکارگردانی؛ و باید آن را که برایت پیداست بپوشانی، و داوری در آنچه از تو نهان است با خدای جهان است...»

بحث و نتیجه‌گیری

ریشه‌های حکمرانی در اندیشه امام علی علیه السلام، لایه‌های عمیق و چندوجهی داشته که کارگزاران سیاسی و حاکمان بایستی برای پایداری سیاسی، توسعه اقتصادی، رشد فرهنگی و ارتقای رفاه اجتماعی به آن توجه کنند. نتایج و مقایسه با دیدگاه نظری نشان می‌دهد که مهمترین الگوهای حکمرانی خوب در اندیشه امام علی علیه السلام به شرح زیر است:

الف) حکمرانی سیاسی در نهج البلاغه، به‌عنوان مجموعه‌ای از آموزه‌های امام علی علیه السلام در باره چگونگی مدیریت قدرت سیاسی، بر پایه عدالت، اخلاق، پاسخگویی و مردمی‌بودن تعریف می‌شود. این نوع حکمرانی نه بر زور، سلطه و منفعت‌طلبی، بلکه بر حق‌مداری، مسئولیت‌پذیری و اصلاح امور مردم استوار است. امام علی علیه السلام سیاست را خادمی برای اقامه قسط و حمایت از محرومان می‌داند. نخستین بُعد مهم در حکمرانی سیاسی از منظر امام علی علیه السلام، اصل اعتدال و میانه‌روی در سیاست‌ورزی است. نهج البلاغه، افراط و تفریط در تصمیم‌گیری سیاسی را موجب فساد و انحراف از مسیر حق می‌داند. حاکم باید با درک دقیق شرایط، میان قاطعیت و رأفت، قانون‌گرایی و انعطاف، و مصلحت‌گرایی و اصول‌محوری توازن برقرار کند. این رویکرد، مانع شکل‌گیری رفتارهای خودسرانه و تصمیمات هیجانی در عرصه حکومت می‌شود. یکی از ارکان حیاتی در حکمرانی سیاسی علوی، نظارت بر کارگزاران سیاسی است. قدرت بدون نظارت، به فساد منتهی می‌شود. از این رو، نصب کارگزاران باید بر اساس شایستگی و دیانت باشد، و عملکرد آنان باید با دقت زیر ذره‌بین حاکم و ناظران مورد اعتماد قرار گیرد. نظارت فعال و منظم، نه تنها سلامت نظام سیاسی را تضمین می‌کند، بلکه مشروعیت حکومت را در نگاه مردم افزایش می‌دهد. در همین راستا، امام از کارگزاران می‌خواهد که نه اربابان و صاحبان ثروت و نفو، بلکه پاسخگو، پاک‌دست و خدمت‌گزار باشند. انتقادپذیری حاکم، دیگر اصل اساسی در حکمرانی سیاسی از دیدگاه امام علی علیه السلام است. برخلاف سنت‌های استبدادی

در تاریخ حکمرانی، امام مردم را دعوت می‌کند که با او صادقانه سخن گفته و لغزش‌ها را گوشزد کنند و مشارکت در اصلاح امور داشته باشند. در این نگاه، مشروعیت حکومت از گفت‌وگوی صادقانه با مردم و آمادگی برای اصلاح خویش سرچشمه می‌گیرد، نه از بی‌چون‌وچرا پذیرفتن سخن حاکم. امام حاکم را خدمت‌گزاری در برابر مردم و خدا می‌داند که در برابر هر نقد و اعتراض مسئول است. یکی از نقاط برجسته در نظام سیاسی نهج البلاغه، مبارزه با اشرافیت سیاسی و ویژه‌خواری است. امام علی (ع) به شدت مخالف آن است که طبقه‌ای خاص از مناصب، امکانات و امتیازات سیاسی بهره‌مند شوند. حاکم نباید حکومت را ملک شخصی یا موروثی بداند و نباید اطرافیان خود را بر مردم مقدم دارد. از نگاه او، کارگزاران باید از دل مردم، با مردم و برای مردم باشند، نه طبقه‌ای ممتاز و جدا از بدنه جامعه. بر همین اساس، عدالت سیاسی ایجاب می‌کند که امتیازات و مناصب بر پایه شایستگی و صلاحیت توزیع شوند. همچنین تکریم آزادی سیاسی یکی دیگر از اصول برجسته در نهج البلاغه است. در اندیشه علوی، حکومت باید مردم را آزاد بگذارد تا اندیشه، پیشنهاد و اعتراض خود را بیان کنند. آزادی بیان، آزادی مشورت و آزادی اعتراض، نه تنها تهدیدی برای حاکم نیست، بلکه تضمینی برای سلامت حکومت و دوری از استبداد محسوب می‌شود. امام علی (ع) مردم را به گفت‌وگوی آزاد، نقد و حتی مخالفت صریح فرا می‌خواند. چنین بینشی نشان‌دهنده عمق باور ایشان به مردمسالاری دینی و حق مشارکت مردم در امور سیاسی است. در همین راستا، اصل مردمی بودن حکومت در نهج البلاغه، یکی از بنیادهای نظام سیاسی محسوب می‌شود. امام علی (ع) حکومت را برای مردم، نه بر مردم، تعریف می‌کند. او به‌عنوان خلیفه مسلمین، خود را در برابر خواسته‌ها، مشکلات و نیازهای مردم پاسخگو می‌داند. مردمی بودن در اندیشه او، به معنای حضور حاکم در میان مردم، آگاهی از دردهای آنان، و تلاش مستمر برای رفع تبعیض و نابرابری‌ها است. چنین رویکردی، پیوند میان حاکم و جامعه را تقویت و مشروعیت اخلاقی و اجتماعی حکومت را تضمین می‌کند. همچنین، امام علی (ع) با صراحت، استبداد سیاسی را رد می‌کند. از دیدگاه ایشان، تصمیمات سیاسی باید مشورتی، عقلانی و مسئولانه باشد. حاکمی که خود را برتر از رأی مردم بداند، نه تنها از عدالت دور می‌شود، بلکه زمینه فساد ساختاری را فراهم می‌سازد. ایشان استبداد رأی را



آفت حکومت صالح می‌داند و بر مشارکت نخبگان و مشاوران صالح در فرآیند تصمیم‌گیری سیاسی تأکید می‌ورزد.

آخرین مؤلفه در این منظومه، عدالت قضایی است. در حکمرانی سیاسی نهج البلاغه، عدالت باید در همه سطوح جاری باشد، به‌ویژه در قضاوت و داوری. قاضی باید بدون تبعیض، تحت تأثیر ثروت، قدرت یا خویشاوندی نباشد و صرفاً بر اساس حق حکم کند. عدالت قضایی حافظ حقوق فردی و اجتماعی مردم است و پایه اعتماد عمومی به نظام سیاسی محسوب می‌شود.

ب) حکمرانی اجتماعی در منظومه فکری امام علی علیه السلام در نهج البلاغه، الگویی ریشه‌دار در اخلاق، عدالت، مردم‌داری و اصلاح ساختارهای اجتماعی دارد. هدف اصلی این حکمرانی، استقرار جامعه‌ای امن، عادلانه، منسجم، و سرشار از همبستگی اجتماعی است. در این نوع حکمرانی، مردم نه صرفاً رعایای حکومت، بلکه عناصر محوری آن محسوب می‌شوند. حاکم در برابر ملت مسئول بوده و موظف به تأمین کرامت انسانی، برابری اجتماعی، و اعتماد عمومی می‌باشد. بنیان‌های این نظام اجتماعی در نهج البلاغه، به وضوح بر محور عدالت اجتماعی، پیشگیری از فساد، تقویت سرمایه اجتماعی، نفی تبعیض و حفظ امنیت اجتماعی استوار شده است. در گام نخست، تأمین امنیت اجتماعی به‌عنوان بستر اصلی هر نوع توسعه اجتماعی در کانون توجه امام علی علیه السلام قرار دارد. امنیت از منظر ایشان، صرفاً به معنای فقدان ناامنی فیزیکی نیست، بلکه دربرگیرنده آرامش روانی، ثبات اقتصادی، اعتماد متقابل میان مردم و حاکم، و حفاظت از حقوق افراد است. امام، حکومتی را مطلوب می‌داند که نه تنها مردم را از تجاوز ظاهری محافظت کند، بلکه فضای امنی برای رشد اخلاقی، معنوی و انسانی فراهم آورد. این امنیت، مقدمه هرگونه عدالت، پیشرفت، دینداری و سرمایه‌سازی اجتماعی است. در ادامه، پیشگیری اجتماع‌محور از فساد از عناصر کلیدی حکمرانی اجتماعی علوی به‌شمار می‌رود. امام علی علیه السلام ریشه فساد را نه تنها در ضعف نظارت حکومتی، بلکه در سستی بنیادهای اخلاقی و ضعف مشارکت مردمی جست‌وجو می‌کند. از این‌رو، با تأکید بر مسئولیت اجتماعی مردم، آنان را به امر به معروف و نهی از منکر فرا می‌خواند و از حاکمان می‌خواهد تا خود در طهارت اخلاقی الگو باشند. در این نگاه، پیشگیری از فساد نیازمند مشارکت عمومی، شفافیت نهادی و برخورد قاطع با متخلفان است؛ اما این اقدامات زمانی موفق‌اند که بر بستر

اعتماد اجتماعی و سرمایه اخلاقی شکل گرفته باشند. در بُعد دیگری از حکمرانی اجتماعی، امام علیه السلام بر شایسته‌سالاری و شایستگی کارگزاران اجتماعی تأکید ویژه دارد. به باور وی، کارگزاران ناتوان، ناپاک یا متملق، بزرگ‌ترین آفات یک حکومت عادل‌اند. لذا بر حاکم فرض است که در انتخاب مسئولان حوزه‌های اجتماعی، نه بر اساس روابط قبیله‌ای یا سیاسی، بلکه بر اساس تقوا، عدالت، تجربه و توانایی عمل نماید. چراکه سرنوشت اقشار مختلف جامعه، به‌ویژه اقشار آسیب‌پذیر، در گرو کارآمدی، انصاف و مسئولیت‌پذیری کارگزاران است. از دیگر مؤلفه‌های اساسی حکمرانی اجتماعی در نهج البلاغه، تأکید بر مدارا و بردباری اجتماعی است. جامعه‌ای متکثر، با اقوام، طبقات، سلیقه‌ها و فرهنگ‌های مختلف، برای بقاء خود نیازمند فضایی مداراگرانه است. امام علی علیه السلام با توصیه به حلم، نرم‌خویی و رعایت حق دیگران، زمینه‌ای برای همزیستی مسالمت‌آمیز، مشارکت اجتماعی و آرامش روانی فراهم می‌سازد. مدارا در نگاه علوی، به معنای ضعف یا چشم‌پوشی از خطاها نیست، بلکه راهبردی عقلانی برای مدیریت تضادها، کنترل خشونت، و حفظ انسجام اجتماعی است. از اصول بنیادین در این اندیشه، عدالت اجتماعی است که بنیان اصلی حکمرانی تلقی می‌شود. عدالت از دیدگاه امام علی علیه السلام فراتر از توزیع مادی، شامل برابری حقوق، رفع تبعیض، احترام به کرامت انسانی و فرصت‌های برابر برای رشد است. حکومت وظیفه دارد با سیاست‌های عادلانه، شرایطی فراهم آورد که همه اقشار جامعه، فارغ از قوم، نژاد، زبان یا طبقه اجتماعی، از امکانات عمومی بهره‌مند شوند. عدالت نه صرفاً یک فضیلت اخلاقی، بلکه زیربنای مشروعیت سیاسی و ضامن بقای حکومت تلقی می‌شود. در کنار عدالت، امام علی علیه السلام به‌صراحت به نفی تبعیض و تحقق مساوات اجتماعی اشاره دارد. او هرگونه امتیازدهی بر اساس جایگاه اجتماعی، نژاد، قبیله یا سابقه خاندانی را انکار می‌کند. از دیدگاه او، انسان‌ها در خلقت برابرند و تفاوت در تقوا و عمل ملاک برتری است. در نتیجه، نظام اجتماعی باید به‌گونه‌ای سامان یابد که فرصت‌ها، احترام و مسئولیت‌ها بر اساس عدالت و نه بر اساس امتیازهای ساختگی توزیع شوند. این نگاه، روح قانون‌گرایی، برابری و کرامت انسانی را در ساختار حکمرانی اجتماعی نهادینه می‌سازد.

در نهایت، بخش مهمی از حکمرانی اجتماعی نهج البلاغه به خلق و حفظ سرمایه اجتماعی بازمی‌گردد. امام علی علیه السلام بر اعتماد عمومی، انسجام اجتماعی، مشارکت همدلانه و روحیه



خدمت‌رسانی به مردم تأکید دارد. از نگاه او، حاکمی موفق است که میان مردم زندگی کند، درد آنان را بشنود و با مردم به‌راستی رفتار کند. این سبک از حکمرانی، نه تنها شکاف‌های اجتماعی را کاهش می‌دهد، بلکه سبب همبستگی، رضایت اجتماعی، و مقاومت جامعه در برابر تهدیدات می‌شود.

ج) حکمرانی اقتصادی در نهج البلاغه، از نگاه امام علی علیه السلام تنها در چارچوب اداره منابع مالی دولت یا تنظیم مناسبات بازار تعریف نمی‌شود، بلکه در بردارنده یک منظومه وسیع و عمیق از اصول اخلاقی، اجتماعی، انسانی و الهی است که به عدالت، فقرزدایی، رعایت حقوق محرومان، صیانت از بیت‌المال و انصاف در توزیع ثروت توجه دارد. در این نگرش، اقتصاد نه یک هدف مستقل، بلکه ابزاری در خدمت عدالت، معنویت، و استواری اجتماعی تلقی می‌شود. امام علی علیه السلام با تجربه حکمرانی خویش، مدلی از اقتصاد سیاسی را ترسیم می‌کند که بر پایه کرامت انسانی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی، و قوام جامعه اسلامی استوار است. یکی از محورهای اصلی در این منظومه، فقرزدایی و مقابله با گرسنگی، محرومیت و نابرابری‌های اقتصادی است. امام فقر را نه تنها یک معضل معیشتی، بلکه تهدیدی برای ایمان، اخلاق، و انسجام جامعه می‌داند. او بارها فقر را "مرگ بزرگ" و "مایه روسیاهی انسان" معرفی می‌کند و از حاکمان می‌خواهد که مهم‌ترین وظیفه خود را در رفع فقر و محرومیت تعریف کنند. در نگاه علوی، حکومتی که به رفاه اقلیت مرفه بی‌تفاوت باشد، مشروعیت دینی و انسانی خود را از دست خواهد داد. در همین راستا، اولویت‌بخشی به محرومان و تنگدستان از ویژگی‌های برجسته حکمرانی اقتصادی امام علی علیه السلام است. در عهدنامه مالک اشتر، امام با صراحت می‌فرماید که «بیشترین توجه تو باید به طبقات پایین جامعه باشد»؛ یعنی کشاورزان، کارگران، نیازمندان، بیماران و بی‌پناهان. این گروه‌ها، پایه‌های اقتصادی جامعه‌اند و اگر در تنگنا قرار گیرند، نه تنها خود آسیب می‌بینند، بلکه ثبات اجتماعی نیز از هم خواهد پاشید. بر این اساس، هرگونه سیاست‌گذاری اقتصادی در حکومت اسلامی باید با در نظر گرفتن وضعیت آسیب‌پذیرترین اقشار تنظیم شود. عنصر محوری دیگر در حکمرانی اقتصادی نهج البلاغه، عدالت اقتصادی است. این عدالت، شامل توزیع عادلانه منابع، فرصت‌ها و درآمدها، مبارزه با رانت و تبعیض، و مقابله با انباشت غیرقانونی ثروت است. از دیدگاه امام علی علیه السلام، عدالت نه تنها معیار مشروعیت اقتصادی حکومت، بلکه معیار سنجش انسانیت و تقوای فردی است. بنابراین، دولت باید با ابزارهای گوناگون مانند اخذ

عادلانه مالیات، بازتوزیع منابع، حمایت از تولید، و نظارت بر بازار، نظامی عادلانه در اقتصاد برقرار سازد.

یکی دیگر از ارکان کلیدی در حکمرانی اقتصادی علوی، صیانت و پاسداری از بیت‌المال است. بیت‌المال در نگاه امام علی علیه السلام امانتی الهی و متعلق به همه مردم است و هیچ‌کس حاکم یا نزدیک‌ترین یاران او حق سوءاستفاده از آن را ندارد. امام در یکی از شدیدترین مواضع خود، حتی اموالی را که در دوران پیش از خلافت او به ناحق تصرف شده بود، بازپس گرفت. این حساسیت نسبت به بیت‌المال، نه از تعصب سیاسی، بلکه از تعهد دینی و اخلاقی به حقوق عمومی و عدالت نشأت می‌گرفت. حاکم در اندیشه امام، باید در برابر کوچک‌ترین خیانت مالی، پاسخ‌گو باشد و خود را از هرگونه ثروت‌اندوزی شخصی بازدارد. از دیگر جلوه‌های حکمرانی اقتصادی در نهج‌البلاغه، عدالت مالیاتی است. مالیات در این نظام نه به عنوان ابزار فشار بر مردم، بلکه به‌منزله راهکاری برای تأمین عدالت و توسعه اجتماعی تلقی می‌شود. امام از کارگزاران خود می‌خواهد که مالیات را با نرم‌خوبی و بر اساس توان واقعی مردم اخذ کنند و از سخت‌گیری یا اجبار اقتصادی بر مردم خودداری نمایند. عدالت در گرفتن مالیات، هم‌زمان موجب رونق اقتصادی، اعتماد عمومی و حفظ کرامت مردم می‌شود.

در کنار آن، مبارزه با نابرابری طبقاتی و ویژه‌خواری اقتصادی یکی از خطوط قرمز امام علی علیه السلام است. ایشان بارها با اشراف‌گرایی، انباشت ثروت در دستان گروهی خاص، و فاصله گرفتن حکومت از مردم عادی مخالفت کرده‌اند. امام، حکومتی را شایسته نمی‌داند که طبقه‌ای خاص از نزدیکان حاکم، تجار یا اقلیت اشراف‌زاده بر سرنوشت اکثریت مردم تسلط یابند. عدالت اقتصادی از نظر او مستلزم آن است که منابع قدرت و ثروت به صورت عادلانه در سطح جامعه توزیع شوند و هیچ طبقه‌ای خود را مالک انحصاری اموال عمومی نداند. از منظر امام علی علیه السلام، انباشت ثروت توسط حاکمان نوعی خیانت به امانت مردم است. او از زندگی اشرافی و تجمل‌گرایی پرهیز می‌کرد و تأکید داشت که حاکم نباید از سطح زندگی مردم فقیر فاصله بگیرد. سبک زندگی ساده، پرهیز از زیاده‌روی، و دوری از اشرافی‌گری اقتصادی، نه‌تنها یک انتخاب شخصی، بلکه بخشی از فلسفه حکمرانی



عادلانه است. حاکمی که خود در رفاه غرق است، هرگز درد محرومان را درک نخواهد کرد و از آنان فاصله خواهد گرفت.

در نهایت، حکمرانی اقتصادی در نهج البلاغه به حمایت از تولید و کشاورزی توجه ویژه‌ای دارد. در جامعه آن دوران، کشاورزان ستون اصلی تولید اقتصادی بودند. امام علی علیه السلام بارها بر اهمیت رسیدگی به وضعیت کشاورزان، آبیاری زمین‌ها، جلوگیری از ظلم به آنان، و فراهم‌سازی شرایط عادلانه برای فعالیت اقتصادی‌شان تأکید می‌کند. رونق تولید، از نظر ایشان، نه در احتکار، دلالی یا تجمل‌گرایی، بلکه در کار و تلاش مشروع، حمایت از تولیدکنندگان، و عدالت در نظام توزیع شکل می‌گیرد.

د) در منظومه فکری امام علی علیه السلام، فرهنگ نه صرفاً مجموعه‌ای از سنت‌ها، آداب یا تولیدات فکری است، بلکه بنیان شکل‌گیری هویت انسان و جامعه اسلامی است. از دیدگاه ایشان، هرگونه تحول سیاسی، اجتماعی یا اقتصادی، بدون اصلاح فرهنگی و تهذیب اخلاقی، دچار سطحی‌گرایی و بی‌ریشگی خواهد شد. بنابراین، حکمرانی فرهنگی در نهج البلاغه، به‌منزله یک فرایند تمدن‌ساز، انسان‌پرور، و معنویت‌محور تلقی می‌شود؛ فرآیندی که هدف آن ساختن انسان اخلاقی، بیدار، خویش‌تن‌دار، و مسئول در برابر خود، جامعه و خداست. نقطه آغاز در این نظام فرهنگی، اهتمام به علم، حکمت و سرمایه فرهنگی جامعه است. امام علی علیه السلام در سخنان فراوانی، علم را برترین سرمایه دانسته و آن را بر مال، قدرت و نسب برتری می‌بخشد. در نگاه او، جامعه‌ای که به علم بی‌اعتنا باشد، گرفتار جهالت، انحطاط و تسلیم در برابر سلطه خواهد شد. حاکم در این منظومه، باید نه تنها خود اهل دانش، بلکه مشوق تولید علم، پرورش عالمان، و پشتیبان گسترش عقلانیت و بینش معرفتی در جامعه باشد. سرمایه فرهنگی، نه در تکرار طوطی‌وار سنت‌ها، بلکه در ایجاد فضایی برای پرسشگری، تفکر انتقادی، و تقویت هویت فکری و اخلاقی انسان‌هاست. در کنار علم، مهم‌ترین چالش فرهنگی که امام علی علیه السلام نسبت به آن هشدار می‌دهد، هوای نفس است. از دیدگاه او، بسیاری از انحراف‌های فرهنگی، ریشه در تسلط نفس اماره بر رفتار انسان دارد. وقتی که شهوت، دنیاطلبی، خودخواهی و میل به شهرت بر انسان غالب می‌شود، فرهنگ به انحراف کشیده شده و حیات جمعی در مسیر فروپاشی اخلاقی قرار می‌گیرد. بنابراین، در حکمرانی فرهنگی، تهذیب نفس،



مجاهده با تمایلات نفسانی، و تزکیه درونی جایگاهی محوری دارد. امام می‌فرماید: «بدترین دشمن تو، نفس توست که در درون توست». به این معنا، هرگونه اصلاح فرهنگی، باید با اصلاح فردی و بازسازی اخلاقی آغاز شود. یکی از مؤلفه‌های برجسته در این نگاه، پرهیز از دنیاپرستی و رفاه‌زدگی فرهنگی است. امام علی (ع) جامعه‌ای را که فرهنگش بر محور تجمل، لذت‌گرایی، اشرافی‌گری و ظاهرپرستی شکل گرفته، جامعه‌ای بیمار و ناپایدار می‌داند. او خود الگویی از ساده‌زیستی، پرهیز از زرق و برق و زیستن در کنار مردم بود. حاکم اسلامی باید به‌عنوان الگوی فرهنگی، از دنیاپرستی و مظاهر فریبنده رفاه کاذب دوری کند و این روحیه را در ساختار فرهنگی جامعه نیز ترویج دهد. چنین فرهنگی، بستری برای رشد معنویت، فروتنی، و خدمت‌گزاری فراهم می‌سازد.

در نظام فرهنگی نهج البلاغه، ترویج فضایل اخلاقی و دینی از رسالت‌های اصلی حکومت شمرده می‌شود. این فضایل نه شعارهای انتزاعی، بلکه راهنمای رفتار فردی و اجتماعی‌اند: صداقت، امانت، حلم، تواضع، گذشت، شجاعت، عفت و عدالت. امام علی (ع) بارها تأکید می‌کند که جامعه با شمشیر اداره نمی‌شود، بلکه با فضیلت‌ها زنده می‌ماند. حاکم موظف است نه تنها خود تجسم این فضایل باشد، بلکه سازوکارهای فرهنگی را برای آموزش، نهادینه‌سازی و پایداری این ارزش‌ها طراحی کند. در این مسیر، مساجد، علما، نهاد خانواده، آموزش، رسانه و ادب دینی، همگی ابزارهای تکوین یک فرهنگ متعالی‌اند. از جمله ابزارهای اساسی حکمرانی فرهنگی، امر به معروف و نهی از منکر است که در نهج البلاغه جایگاهی تعیین‌کننده دارد. این دو اصل، نقش نظارتی مردم بر فرهنگ جامعه و رفتار حاکمان را نشان می‌دهند. نهج البلاغه امر به معروف را ضامن حیات فضایل، و نهی از منکر را سپری در برابر انحراف فرهنگی می‌داند. این دو فریضه، نباید تنها در عرصه خصوصی باقی بمانند، بلکه حکومت باید از طریق آموزش، نهادهای مدنی، و مشارکت اجتماعی، آن‌ها را در عرصه عمومی احیا کند. بی‌تفاوتی فرهنگی از منظر امام علی (ع) آغاز فروپاشی اجتماعی است؛ لذا جامعه باید در قبال فرهنگ، مسئول و حساس باشد.

عنصر مهم دیگر در حکمرانی فرهنگی نهج البلاغه، مبارزه با سبک زندگی متظاهرانه و ریاکارانه است. فرهنگی که در آن افراد به ظاهر دین‌داری، ولی باطناً فاسد و دوچهره باشند، فرهنگی ضعیف و غیرقابل اعتماد است. امام علی (ع) با چنین فرهنگ‌هایی به شدت مقابله می‌کرد؛ او ریا،



نفاق، تظاهر به زهد، و استفاده ابزاری از دین را یکی از خطرناک‌ترین آفات اجتماعی می‌دانست. در نگاه او، سلامت فرهنگی، در گرو صداقت، سادگی، درون‌گرایی و پرهیز از نمایش و خودنمایی است. در نهایت، در اندیشه فرهنگی امام علی علیه السلام، مدارا و تساهل مذهبی یکی از بنیادهای همزیستی فرهنگی است. گرچه امام بر حقانیت اسلام تأکید دارد، اما در عمل نشان می‌دهد که حکومت باید با اقلیت‌های دینی، با انصاف، احترام و مدارا رفتار کند. نهج‌البلاغه از مدارا با کسانی سخن می‌گوید که «یا برادر دینی تو هستند یا همانند تو در آفرینش». چنین رویکردی، پایه‌گذار فرهنگی گفت‌وگو، همزیستی مسالمت‌آمیز، و جلوگیری از خشونت مذهبی است. حکمرانی فرهنگی نباید ابزاری برای حذف دگراندیشان یا تحمیل ایدئولوژی باشد، بلکه باید بستری برای هم‌فهمی و انسجام اجتماعی در عین تفاوت‌ها فراهم سازد.

در نهایت می‌توان گفت که امروزه حکمرانی مطلوب به‌عنوان یکی از نظریه‌ها و الگوهای غالب موردتوجه فعالان توسعه و همچنین دستور کار پژوهش‌سکده‌ها، سمن‌ها و بانک جهانی قرار گرفته؛ به‌طوری‌که هدف، برنامه، سیاست‌گذاری و معیارهای حکمرانی جهت کاهش فقر، کاهش خشونت مدنی، مدارای سیاسی-اجتماعی، اخلاق‌گرایی، نوع‌دوستی و پرهیز از خرافه‌گرایی، تقابل و تضاد قومی-مدنی به لحاظ تاریخی؛ در آموزه‌های اسلامی نهج‌البلاغه ریشه داشته است. در این راستا نامه‌ها، کلمات قصار، حکمت امام علی علیه السلام منشور حکمرانی اسلامی می‌تواند به‌عنوان نقشه راه جامع و مرجع برای سیاست‌های جهانی جهت پرهیز از باور بنیادین‌ها بجز (انسان‌گرگ‌همدیگر) و اسپنسری (بقاء‌داورینی و زیست‌اصلاح‌اقویا) قرار گیرد. در شرایط معاصر، جهان اسلام با چالش‌های متعدد در عرصه حکمرانی مواجه است؛ از جمله بحران مشروعیت سیاسی، ضعف عدالت اجتماعی، گسست حاکمیت و مردم، ناکارآمدی نهادهای دولتی و سوءاستفاده از قدرت. در پاسخ به این بحران‌ها، نخبگان فکری و دینی به دنبال احیای الگوهای حکمرانی اسلامی بر مبنای متون اصیل دینی هستند. یکی از مهم‌ترین این متون، نهج‌البلاغه است که میراث گران‌سنگی از امام علی علیه السلام را در زمینه‌های مختلف اخلاق، سیاست، عدالت و حکمرانی به یادگار گذاشته است. نهج‌البلاغه، نه صرفاً مجموعه‌ای از گفتارهای دینی، بلکه متنی راهبردی در اندیشه سیاسی اسلامی است که مفاهیمی نظیر عدالت، شایسته‌سالاری، مردم‌گرایی، مسئولیت‌پذیری، پاسخ‌گویی، نظارت و زهد

سیاسی را به‌عنوان ارکان حکومت اسلامی تبیین می‌کند. امام علی علیه السلام در نهج البلاغه، قدرت را نه وسیله‌ای برای سلطه‌گری، بلکه ابزار تحقق عدالت و اصلاح اجتماعی می‌داند. او در نامه معروف به مالک اشتر، سیاست را نوعی امانت الهی می‌داند که باید با رعایت حقوق مردم، ساده‌زیستی حاکمان و مراقبت از عدالت اجرایی گردد. یکی از مؤلفه‌های اساسی در اندیشه حکمرانی علوی، عدالت اجتماعی است. از دیدگاه امام علی علیه السلام، هیچ‌چیز به‌اندازه عدالت، حکومت را پایدار نمی‌کند و عدالت در نگاه ایشان نه تنها عدالت قضایی، بلکه عدالت اقتصادی، فرهنگی و سیاسی را نیز شامل می‌شود. همچنین در همین نامه، امام علی علیه السلام با تفصیل، طبقات اجتماعی، وظایف متقابل حاکم و مردم و اصول مدیریتی را بیان می‌کند که به‌روشنی می‌توان آن را نوعی نظام‌نامه حکمرانی اسلامی دانست. نکته قابل‌توجه آن است که در این مدل، رابطه حاکم با مردم، رابطه‌ای دوسویه و مسئولانه است. مردم تنها فرمان‌بران نیستند، بلکه ناظران بر عملکرد حکومت‌اند. این نگاه، بیانگر نوعی قرارداد اخلاقی و سیاسی میان حاکم و مردم است که در آن مسئولیت متقابل و حق نقد و نظارت مردم به رسمیت شناخته شده است.



منابع

- نهج البلاغه، ۱۳۸۵ ش، ترجمه: محمد دشتی، تهران: موسسه فرهنگی تحقیقی امیرالمؤمنین علیه السلام.
۱. اخوان کاظمی، بهرام، ۱۳۸۷ ش، *آرمان‌های حکومت از دیدگاه امام علی علیه السلام*، تهران: نشر مجلس خبرگان رهبری.
 ۲. جعفرپیشه فرد، مصطفی، ۱۳۸۱ (الف)، ش، *خاستگاه حکومت علوی، الهی یا مردمی؟ حکومت علوی*، بنیان‌ها و چالش‌ها، قم: دبیرخانه مجلس خبرگان.
 ۳. جعفرپیشه فرد، مصطفی، ۱۳۸۱ (ب) ش، *حکومت علوی و اهتمام به اصلاحات اجتماعی، اقتصادی، توسعه و رفاه*، قم: دبیرخانه مجلس خبرگان.
 ۴. جعفری، محمدتقی، ۱۳۶۹ ش، *حکمت اصول سیاسی اسلام*، قم: بنیاد نهج البلاغه.
 ۵. جوان‌آراسته، حسین، ۱۳۸۱ ش، *حقوق مردم در نگاه امیرالمؤمنین علی علیه السلام*، حکومت علوی، هدف‌ها و مسئولیت‌ها، قم: دبیرخانه مجلس خبرگان.
 ۶. حائری، سید محسن، ۱۳۸۶ ش، *اندیشه اقتصادی در نهج البلاغه*، ترجمه: عبدالعلی آل بویه لنگرودی، تهران: بنیاد نهج البلاغه.
 ۷. حیدری، سید علی، ۱۳۸۸ ش، *نظریه پردازی در باب حکومت اسلامی*، قم: انتشارات بوستان کتاب.
 ۸. خوانساری، محمد، ۱۳۴۶ ش، *شرح غررالحکم و درر الکلم*، ج. ۲، تهران: دانشگاه تهران.
 ۹. داودی، سعید و رستم‌نژاد، مهدی، ۱۳۸۷ ش، *عاشورا ریشه‌ها، انگیزه‌ها، رویدادها، پیامدها*، قم: انتشارات امام علی بن ابی طالب علیه السلام.
 ۱۰. دشتی، محمد، ۱۳۸۸ ش، *امام علی علیه السلام و مسائل سیاسی*، قم: مرکز اطلاع‌رسانی غدیر.
 ۱۱. دلشاد تهرانی، مصطفی، ۱۳۷۷ ش، *دولت آفتاب*، تهران: خانه اندیشه جوان.
 ۱۲. دلشاد تهرانی، مصطفی، ۱۳۸۱ ش، *تفسیر موضوعی نهج البلاغه*، تهران: معاونت پژوهشی دانشگاه معارف اسلامی.
 ۱۳. دلشاد تهرانی، مصطفی، ۱۳۹۴ ش، *ارباب امانت: اخلاق اداری در نهج البلاغه*، تهران: دریا.
 ۱۴. دین‌پرور، سیدجمال، ۱۳۹۴ ش، *دانشنامه نهج البلاغه*، ج. ۱، تهران: موسسه فرهنگی مدرسه برهان.
 ۱۵. سبحانی، جعفر، ۱۳۸۵ ش، *نظام سیاسی اسلام*، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.



۱۶. فتال نیشابوری، محمد بن حسن، ۱۳۶۶ ش، *روضه الواعظین و بصیره المتعظین*، ترجمه: محمود مهدوی دامغانی، تهران: نشرنی.
۱۷. قاضی، ابوالفضل، ۱۳۸۹ ش، *حقوق اساسی و نهادهای سیاسی*، تهران: دانشگاه تهران.
۱۸. قرائتی، محسن، ۱۳۹۰ ش، *تفسیر نور*، جلد ۲، قم: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۱۹. کاشانی، سید محمدرضا، ۱۳۷۹ ش، *اندیشه سیاسی در اسلام: مبانی و مباحث*، تهران: انتشارات سمت.
۲۰. کامرانیان، عباسعلی، ۱۳۸۷ ش، *جنگ نرم، بررسی توطئه شیاطین علیه امت اسلامی*، قم: انتشارات نور قرآن و اهل بیت علیهم السلام.
۲۱. لنگرانی، فاضل، ۱۳۸۰ ش، *آیین کشورداری از نگاه امام علی علیه السلام*، قم: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۲۲. لیثی واسطی، علی بن محمد، ۱۳۷۶ ش، *عیون الحکم و المواعظ*، قم: دارالحدیث.
۲۳. ماندگاری، محمد، ۱۳۸۱ ش، *خط و مشی سیاسی نهج البلاغه*، قم: انتشارات بوستان کتاب.
۲۴. محمدی ری‌شهری، محمد، ۱۳۸۲ ش، *دانشنامه امیرالمؤمنین علیه السلام*، قم: مرکز چاپ و نشر دارالحدیث.
۲۵. مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین، ۱۳۷۴ ش، *مروج الذهب و معادن الجواهر*، ترجمه: ابوالقاسم پاینده، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۲۶. مشرف‌جوادی، محمدحسین، ۱۳۹۲ ش، *اصول و متون مدیریت در اسلام*، اصفهان: انتشارات پارس ضیا.
۲۷. مطهری، مرتضی، ۱۳۸۰ ش، *سیری در نهج البلاغه*، تهران: انتشارات صدرا.
۲۸. مقیمی، سید محمد، ۱۳۹۴ ش، *اصول و مبانی مدیریت از دیدگاه اسلام*، تهران: نشر راهدان.
۲۹. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۸۶ ش، *پیام امیرالمؤمنین علیه السلام*، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۳۰. موسوی کاشمیری، مهدی، ۱۳۸۱ ش، «انتقادیگری و انتقادپذیری در حکومت علوی»، قم: دبیرخانه مجلس خبرگان.
۳۱. موسوی، سید محمد، ۱۳۸۵ ش، *اقتصاد اسلامی: مبانی و اهداف*، تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۳۲. می‌دری، احمد و خیرخواهان، جعفر، ۱۳۸۳ ش، *حکمرانی خوب بنیان توسعه*، تهران: انتشارات مرکز پژوهش‌های اسلامی.



۳۳. نیازی، محسن و عشایری، طاها، ۱۳۹۵ش، *داغ فقر (فقر به مثابه داغ اجتماعی)*، تهران: نشر سخنوران.

پایان نامه‌ها و مقالات

۳۴. امانی، بهرام و عبدالملکی، محمد، ۱۳۹۱ش، «*حقوق اجتماعی مردم و معیارهای آن از دیدگاه نهج البلاغه*»، دومین همایش نهج البلاغه. دانشگاه بوعلی سینا.

۳۵. امانی‌پور، مونا؛ نیل‌ساز، نصرت و عزتی، نصرت، ۱۴۰۱ش، بررسی تطبیقی فقر از دیدگاه امیرمؤمنان علیه السلام و سه مکتب لیبرالیسم، سوسیالیسم و دولت رفاه. *فصلنامه پژوهش‌های نهج البلاغه*، سال ۲۲، شماره ۷۶، ص ۶۱-۸۶

۳۶. ایگدر، محمد، ۱۳۹۳ش، «*مؤلفه‌های حکمرانی خوب در سیره نبوی صلی الله علیه و آله*»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی.

۳۷. بهرامی، بهرام؛ امانی چاکلی، بهرام و نشاط، آمنه، ۱۳۹۱ش، «*بررسی تطبیقی آزادی از دیدگاه نهج البلاغه در رساله مختصر آزادی جان استوارت میل*»، دومین همایش نهج البلاغه، دانشگاه بوعلی سینا.

۳۸. بهمنی، زین‌العابدین، ۱۴۰۰ش، «*بررسی سیره مدیریتی امام علی علیه السلام در ایجاد اعتماد اجتماعی*»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور استان آذربایجان شرقی، مرکز پیام نور مراغه.

۳۹. پورکاویان، زینب و صرفی، زهرا، ۱۴۰۱ش، عدالت اجتماعی کارگزاران در نامه‌های نهج البلاغه؛ *فصلنامه پژوهش‌های نهج البلاغه*؛ سال ۲۲، شماره ۷۶، ص ۲۱۵-۲۴۰

۴۰. تازی، هدایت، ۱۴۰۱ش، «*جایگاه علم و دانش‌اندوزی در کلام امام علی علیه السلام و نهج البلاغه*»، نشریه *رهیافت‌های نوین در مطالعات اسلامی*، پیاپی ۱۲، ص ۳۴۴-۳۳۳.

۴۱. ترابی، یوسف؛ شریعتی، مسعود و درخشان، کیومرث، ۱۳۹۵ش، «*طراحی الگوی مدیر شایسته مبتنی بر نهج البلاغه*»، *فصلنامه مطالعات مدیریت انتظامی*، ۱۱(۲)، ۱۰-۲۱.

۴۲. ثواب، جهانبخش، ۱۳۹۱ش، «*مبانی و شاخصه‌های حکومت علوی*»، *فصلنامه علمی-پژوهشی علوی*، ۳(۶)، ص ۱-۲۵.



۴۳. جعفری، رضا، ۱۴۰۱ ش، مدل صلاحیت شخصی زمامدار در حکومت اسلامی از منظر نهج البلاغه، *فصلنامه پژوهش‌های نهج البلاغه*؛ سال ۲۲، شماره ۷۹، ص ۲۶۷-۲۹۲
۴۴. جهان‌بین، فرزاد و نعمتی، محمد، ۱۳۹۴ ش، «معیار و راهبردهای عدالت اقتصادی در نهج البلاغه»، *فصلنامه علمی-پژوهشی نهج البلاغه*، ۳(۱۰)، ص ۱۰۳-۱۲۲.
۴۵. حاجی‌زاده، محسن؛ حسینی، سیدعلی؛ محمدیان، علی و حسینی، سیدمحمد، ۱۴۰۲ ش، عدالت توزیعی در رویکرد اقتصادی امام علی (ع)، *پژوهش‌های نهج البلاغه*؛ سال ۲۲، شماره ۷۷، ص ۱۶۱-۱۴۵.
۴۶. حجازی‌فر، سعید، ۱۴۰۲ ش، «چیستی و نقش آفرینان حکمرانی اسلامی براساس فرمایشات امام علی (ع)»، *فصلنامه مدیریت اسلامی*، ۳۱(۲)، ص ۱۲۷-۸۷.
۴۷. حسینی، سیده‌فاطمه و جلیلیان، مریم و نظری، علی، ۱۳۹۷ ش، «*امربه معروف و نهی از منکر مؤلفه انسان انقلابی در نهج البلاغه*»، کنفرانس ملی علوم اسلامی و پژوهش‌های دینی، کرج، <https://civilica.com/doc/802893>
۴۸. حسینی‌تاش، سیدعلی، ۱۳۹۳ ش، «حکمرانی خوب و ارائه حکمرانی شایسته بررسی و شاخص‌های این دو از دیدگاه امیرالمؤمنین علی (ع)»، *مجله اسلام و پژوهش‌های مدیریتی*، ۳(۴)، ص ۲۸-۷.
۴۹. حکیمی‌گیلانی، احمد؛ اخترشهر، علی و ابراهیمی‌ورکیانی، محمود، ۱۴۰۲ ش، «روابط متقابل مردم و حکومت در نسبت با ویژگی‌های حکمرانی مطلوب»، *مجله مطالعات الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی*، ۲۵(۹)، ص ۹۷-۱۲۵.
۵۰. حلیمی‌جلودار، حبیب؛ علویان، مرتضی و نیک‌جهان، لبوذر، ۱۴۰۱ ش، «مطالعه تطبیقی "حکمرانی خوب" از منظر نامه ۵۳ نهج البلاغه و آرای اسکاپی»، *نشریه پژوهش‌های نهج البلاغه*، ۲۱(۳)، ص ۲۶۲-۲۴۱.
۵۱. حمیدی، کامبیز و رمضان شمس، امیرحسین، ۱۳۹۸ ش، مدیریت و حکمرانی در اسلام از منظر نهج البلاغه؛ *فصلنامه رویکردهای پژوهشی نو در علوم مدیریت*، سال دوم، شماره یازدهم، ص ۲۲۳-۲۴۷.
۵۲. درخشه، جلال، ۱۳۸۶ ش، «عدالت از دیدگاه امام علی (ع)»، *نشریه دانش سیاسی*، ۵(۸)، ص ۳۰-۱۱.

۵۳. رحمانی، محمد، ۱۳۷۹ ش، «ملاک‌های گزینش کارگزاران در حکومت علوی»، *مجله حکومت اسلامی*، ۱۸(۵)، ص ۲۳۱-۲۱۴.
۵۴. رستگار، عباسعلی و موسوی داودی، سیدمهدی، ۱۴۰۱ ش، «بررسی میدانی الگوی حکمرانی شفاف مبتنی بر آموزه‌های نهج البلاغه»، *نشریه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، ۱۲(۲)، ص ۶۲-۳۱.
۵۵. رضایی، صادق؛ بهشتی، سعید و رفیعی، حسن‌رضا، ۱۳۹۵ ش، «سیره مدیریتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در حوزه انتظام اجتماعی»، *فصلنامه انتظام اجتماعی*، ۸(۲)، ص ۱-۱۶.
۵۶. رضائی فرد، محمد(۱۴۰۲ ش)، «*مؤلفه‌های حکمرانی مطلوب از نگاه شیعه با تأکید بر آرا امام علیه السلام*»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه معارف، دانشکده تهران.
۵۷. رنگریز، حسن، ۱۴۰۲ ش، طراحی الگوی حکمرانی اسلامی مبتنی بر تعالیم دینی، *فصلنامه پژوهشنامه انقلاب اسلامی*، سال سیزدهم، شماره ۴۶، ص ۲۱-۱.
۵۸. روشن، امیر و صدرآبادی، رزینا، ۱۳۹۱ ش، «*آزادی در نهج البلاغه*»، دومین همایش نهج البلاغه، دانشگاه بوعلی سینا.
۵۹. رهنما، اکبر؛ سبحانی‌نژاد، مهدی و علیین، حمید، ۱۳۸۷ ش، «بررسی تحلیلی مبانی، اصول و روش‌های تربیت سیاسی از منظر امام علی علیه السلام»، *دوفصلنامه علمی-پژوهشی دانش‌سور رفتار*، ۱۱۵(۳۰)، ص ۱-۳۲.
۶۰. زارعی، مجتبی و آرابی، وحید، ۱۴۰۰ ش، واکاوی و نقد الگوی حکمرانی خوب: تبیین شاخص‌های حکمرانی اسلامی، *فصلنامه پژوهش‌های انقلاب اسلامی*، دوره ۱۰، شماره ۲، ص ۲۵-۷.
۶۱. سادات‌هاشمی، صدیقه، ۱۳۹۵ ش، «*اندوین الگوی رفتاری در حکمرانی مطلوب بر اساس نهج البلاغه*»، رساله دکتری تخصصی، دانشگاه تهران، دانشکده مدیریت.
۶۲. سعیدی، فاطمه؛ علم‌الهدی، سیدعلی و قاسم‌پور، محسن، ۱۳۹۷ ش، «شاخص وظیفه‌گرایی اخلاقی در مکتب اخلاقی امیرمؤمنان علیه السلام از دیدگاه نهج البلاغه»، *نشریه آموزه‌های تربیتی در قرآن و حدیث*، ۴(۲).
۶۳. سعیدی، محمدحسن، ۱۳۷۹ ش، آزادی مخالفان سیاسی در حکومت علی علیه السلام، *فصلنامه حکومت اسلامی*، ۱۷(۳)، ص ۱-۱۳.



۶۴. سیادت، سیدعلی، ۱۳۸۵ ش، «بررسی ویژگی‌های مدیران و راهکار اجرایی انگیزه کارکنان از دیدگاه امام علی (ع)»، *مجله دانشکده علوم انسانی*، ۱۴ (۶۰)، ص ۳۳-۱۱.
۶۵. سیاهکالی، جواد و نهادی، هادی، ۱۴۰۰ ش، «بررسی شاخص‌های حکمرانی خوب و حکمرانی شایسته از منظر نهج البلاغه»، *مجله حکمرانی متعالی*، ۲ (۲)، ص ۱۳۹-۱۱۴.
۶۶. شاکری، حمید، ۱۳۹۳ ش، «تأملی بر مؤلفه‌های حکمرانی خوب در نهج البلاغه»، همایش ملی، اولین کنگره ملی تفکر و پژوهش دینی.
۶۷. شاه‌آبادی، ابوالفضل و زرین‌نعل، زینب، ۱۳۹۴ ش، «رعایت اصول حکومت علوی بسترساز تحقق حکومت اسلامی»، *فصلنامه علمی-پژوهشی نهج البلاغه*، ۳ (۱۰)، ص ۲۲-۱.
۶۸. شاهنده، آمنه، ۱۴۰۱ ش، «تعالی حقوق شهروندی؛ جستاری در مولفه‌های حقوق شهروندی در آموزه‌های قرآن و نهج البلاغه»، *نشریه پژوهش‌های نهج البلاغه*، ۲۱ (۲)، ص ۱۳۹-۱۲۳.
۶۹. شایگان، فریبا، ۱۳۹۴ ش، «شاخص اعتماد سیاسی از دیدگاه حضرت علی (ع)»، *دوفصلنامه اسلام و علوم اجتماعی*، ۱۴ (۸)، ص ۱۳۸-۱۱۵.
۷۰. شریعتی، مسعود، ۱۳۹۹ ش، «الگوی حکمرانی اخلاقی در نهج البلاغه با روش حکمی-اجتهادی»، رساله دکتری تخصصی، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده مدیریت و حسابداری.
۷۱. صیدی، فاطمه، ۱۳۹۲ ش، «حکمرانی خوب به‌مثابه توزیع برابر مواهب اجتماعی در حوزه‌های مدیریت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی»، همایش بین‌المللی مدیریت، چالش‌ها و راهکارها، شیراز.
۷۲. طاهری سرتشنیزی، اسحاق و موسوی، مریم‌السادات، ۱۳۹۱ ش، «مرگ آگاهی و معناداری زندگی از منظر نهج البلاغه»، *انسان پژوهی دینی*، ۹ (۲۷)، ص ۱۹۸-۱۷۷.
۷۳. طاهری، ابوالقاسم و حیدری، محمود، ۱۳۹۱ ش، «آسیب‌شناسی زمامداران از منظر امام علی (ع)»، *فصلنامه روش‌شناسی*، ۷ (۲۶)، <https://civilica.com/doc/1298859>.
۷۴. طباطبائی، سیدروح‌الله؛ شیرخانی، علی و مطهرنیا، مهدی، ۱۴۰۰ ش، «بررسی و ارزیابی جایگاه حکمرانی مطلوب در نهج البلاغه»، *نشریه سیاست پژوهی ایرانی*، ۸ (۱)، ص ۳۰-۷.
۷۵. طهماسبی‌بلداجی، اصغر، ۱۴۰۲ ش، «واکوی شاخصه حکمرانی شایسته بر مبنای نهج البلاغه»، *فصلنامه پژوهش‌های مهدوی*، ۴۷ (۱۱)، ص ۸۸-۶۷.



۷۶. عبادی، نغمه و قلی‌پور، آرین، ۱۳۹۵ ش، «شناسایی شبکه‌های سیاسی در جهت حکمرانی خوب»، *فصلنامه علوم مدیریت ایران*، ۸ (۳۰).
۷۷. عشایری، طاها، ۱۳۹۵ ش، «تحلیل جامعه‌شناختی سبک مدیریت فرماندهی و تأثیر آن در تعالی روحی و رفتاری کارکنان با تأکید بر جایگاه فرماندهان در نهج البلاغه»، *فصلنامه مطالعه مدیریت بر آموزش انتظامی*، ۹ (۳۳)، ص ۲۰-۳۶.
۷۸. علویان، مرتضی؛ عباس‌تبار، رحمت و ذکریاپورکوهی، سعید، ۱۴۰۱ ش، «جایگاه شفافیت در حکمرانی شایسته در اندیشه امام علی علیه السلام»، *مجله راهبرد سیاسی*، ۶ (۳)، ص ۱۴۰-۱۲۱.
۷۹. علینی، محمد و غفاری، غلامرضا، ۱۳۹۴ ش، «تحلیل فضای مفهومی سازه سرمایه اجتماعی در کلام امام علی علیه السلام»، *فصلنامه اسلام و مطالعات اجتماعی*، سال ۲، ۴ (۸)، ص ۹۲-۱۲۰.
۸۰. عمارلو، یدالله، ۱۴۰۱، «معیارهای حاکم اسلامی از نظر امام علی علیه السلام در نهج البلاغه»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم قرآن و حدیث علامه مجلسی.
۸۱. فرزانه‌فر، حسین، ۱۳۸۳ ش، «تساهل و مدارا در اندیشه سیاسی اسلام»، *فصلنامه مطالعات اسلامی*، ۶۳ (۱۶)، ص ۱۵۵-۱۸۶.
۸۲. فرقانی، یونس، ۱۳۹۴ ش، «مؤلفه‌های حکمرانی بد در قرآن: حکمرانی فرعون در بیان قرآن»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق علیه السلام، دانشکده مدیریت و معارف اسلامی.
۸۳. فقهی‌زاده، عبدالهادی و لژگی، علی‌نقی، ۱۳۹۳ ش، «مؤلفه‌های منش مدیریت نظامی در نهج البلاغه»، *فصلنامه بصیرت و تربیت اسلامی*، ۳ (۲۹)، ۴۱-۵۴.
۸۴. کربلایی‌ابراهیم، محمد، ۱۳۹۴ ش، «شاخصه‌های حکومت آرمانی از دیدگاه امام علی علیه السلام»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه مازندران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی.
۸۵. کمالی، یحیی، ۱۳۸۸ ش، «حکمرانی خوب چیست»، تدبیر، شماره ۲۰۶، ص ۲۰-۳۳.
۸۶. کمیجانی، علی و عیوضی، محمدرحیم، ۱۴۰۰ ش، «سیمای حکمرانی مطلوب در منشور حکمرانی علوی»، *مجله حکمرانی متعالی*، ۲ (۲)، ص ۱۱۳-۸۸.
۸۷. مبارک، اصغر و آذریبوند، زیبا، ۱۳۸۸ ش، «نگاهی به حکمرانی خوب از منظر اسلام و تأثیر آن بر رشد اقتصاد»، *نشریه اقتصاد اسلامی*، ۹ (۳۶)، ص ۱۷۹-۲۰۸.



۸۸. مروتی، سهراب و دارابی، فرشته، ۱۳۹۲ش، «بررسی فرایند عدالت مالیاتی در نهج البلاغه»، پژوهشنامه علوی، ۴(۷)، ۱۲۴-۱۰۵.
۸۹. معین آبادی بیدگلی، حسین (۱۴۰۰). «تحلیل مضمونی کنش-های سیاسی حکمرانان در نهج البلاغه»، پژوهشنامه نهج البلاغه، ۳۵(۹)، ص ۵۴-۳۷.
۹۰. منتظری، محمد و کاظمی، عظیمه، ۱۴۰۱ش، «بررسی الگوی حکمرانی خوب از دیدگاه حضرت علی (ع)»، نشریه دستاوردهای نوین در حقوق عمومی، ۲(۱۴)، ص ۸۷-۷۳.
۹۱. منتظری، محمد؛ بهمنی، اکبر و فتحی زاده، علیرضا (۱۳۹۷ش)، «الگوی حکمرانی خوب از دیدگاه نهج البلاغه»، مجله مطالعات الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی، ۱۱(۳۲)، ص ۱۵۴-۱۳۳.
۹۲. مولوی، محمد (۱۳۹۵)، «اصول و مبانی اخلاقی سیاست در دیدگاه امام علی (ع)»، فصلنامه علمی-پژوهشی نهج البلاغه، ۴(۱۴)، ص ۱۸-۱.
۹۳. نصرافهانی، علی، ۱۳۹۱ش، «بررسی تحمل و مدارا در رهبری سازمان با تکیه بر دیدگاه نهج البلاغه»، دوفصلنامه علمی پژوهشی مدیریت اسلامی، ۲۰(۲)، ص ۱۲۸-۱۱۳.
۹۴. نهادی، هادی و سیاهکلی مرادی، جواد، ۱۴۰۰ش، «بررسی شاخص های حکمرانی خوب و حکمرانی شایسته از منظر نهج البلاغه»، نشریه حکمرانی متعالی، ۶(۱۱)، ص ۱۳۹-۱۱۴.
۹۵. هداوند، مهدی، ۱۳۸۴ش، «حکمرانی خوب، توسعه و حقوق بشر»، نشریه حقوق اساسی، سال ۳(۴)، ص ۵۱-۸۶.